

The Educational Effects of “Apprehension and Hope” from the Viewpoint of Islam with an Emphasis on the Holy Qur’an

Abbas Ali Rostami Nasab *

Morad Yari Dehnavi **

Arefeh Pour Heydari ***

Apprehension (Khouf) and Hope (Raja) are significant issues worth to be taken into account in human’s way of living as well as education and training. Therefore, the purpose of this research was to study the educational effects of apprehension and hope from the viewpoint of Islam with an emphasis on the Holy Qur’an. To accomplish this purpose, a linguistic and conceptual analysis method was adopted. The concepts and themes derived from the study indicated that with accordance to Qur’an, apprehension and hope complement each other and God’s supervision of human behavior is through these two virtues. In fact, both of them regulate human behavior and control abnormalities. Investigation of the verses relevant to apprehension and hope and the educational role of these two virtues demonstrated that both apprehension and hope bring about several educational achievements for the individual and the society in general. Some of these achievements are specifically relevant to apprehension, some to hope and some to both apprehension and hope. This is due to the fact that in the Holy Qur’an, these two terms are sometimes mentioned together and at other times stated separately. These achievements are further elaborated and investigated in this paper.

Keywords: *Education and Training, Apprehension, Hope, the Educational Effects of “Apprehension and Hope”*

* Full Professor, Department of Educational and Training Philosophy, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

** Assistant Professor, Department of Educational and Training Philosophy, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

*** Corresponding Author, MA in Educational and Training Philosophy, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

بررسی آثار تربیتی «خوف و رجا» از دیدگاه اسلام با تأکید بر قرآن کریم

عباسعلی رستمی نسب *

عارفه پور حیدری ***

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۲۹

مراد یاری دهنوی **

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴

چکیده

«خوف» و «رجا» از موضوعات بسیار مهم در رابطه با چگونگی زندگی انسان و تربیت وی می‌باشند از این رو، هدف پژوهش حاضر، بررسی آثار تربیتی خوف و رجا از دیدگاه اسلام با تأکید بر قرآن کریم است. جهت دست‌یابی به این هدف، از روش تحلیل زبانی و مفهومی بهره گرفته شده است. مضامین استخراج‌شده پژوهش نشان داد، قرآن خوف و رجا را به‌عنوان مکمل یکدیگر معرفی می‌کند و نظارت خداوند بر رفتار انسان را به‌واسطه این دو حالت نفسانی برمی‌شمارد؛ به‌نحوی که هر دو را سبب تنظیم رفتار انسان قلمداد می‌کند و اذعان دارد که به‌موجب آن‌ها نابهنجاری‌ها کنترل می‌شوند. با بررسی آیات پیرامون خوف و رجا و نقش تربیتی این دو ویژگی اخلاقی، این نتیجه حاصل شد: به استناد قرآن کریم، خوف و رجا برای انسان دستاوردهای تربیتی متعددی در سطح فردی و اجتماعی به ارمغان می‌آورد که بخشی از این دستاوردها ویژه خوف هستند، بخش دیگر، مختص رجا و پاره‌ای هم، توأمان شامل خوف و رجا با یکدیگر می‌شود. این امر بدان جهت است که هرکدام از این واژه‌ها، در برخی از آیات قرآن کریم به‌صورت تنها و در بعضی دیگر به‌طور توأمان آورده شده‌اند. دستاوردهای یادشده در متن مقاله، تبیین و بررسی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تعلیم و تربیت؛ خوف؛ رجا؛ آثار تربیتی خوف و رجا.

Rostaminasab@uk.ac.ir

* استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه شهیدباهنر، کرمان، ایران

Myaridehnavi@uk.ac.ir

** استادیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه شهیدباهنر، کرمان، ایران

*** نویسنده مسئول: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

Pourheidariarefeh@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

«بیم» و «امید» که از آن‌ها در کلام قرآن کریم به «خوف» و «رجا» یاد شده است، از مفاهیم اساسی مرتبط با چگونگی زندگی انسان و تربیت وی می‌باشند. «از منظر روان‌شناسی، برخی از مکتب‌های معاصر نظیر مکتب انسان‌گرای راجرز^۱ و پیروانش، باتوجه‌به اثرات مثبت‌گرایی در زندگی، بیشترین اهمیت را در تربیت، به امید و خوش‌بینی می‌دهند. شماری دیگر از آن‌ها مانند مکتب روان‌تحلیلی فروید^۲، با نگاهی بسیار بدبینانه به سرشت انسان، آن را بد دانسته و به ناامیدی دامن‌زده‌اند» (فرانکن^۳، ۱۳۹۵). «از دیدگاه تاریخی برخی مکتب‌های کلامی مانند مُرجه^۴ با تأکید بر رجا و نفی خوف، رجا را وسیله‌ای برای فرار از مسئولیت‌های اخلاقی و دینی قرار داده‌اند. بعضی از مکاتب نیز با تکیه بر خوف، پیروانشان را از جنبه‌های امیدبخش دین، محروم کرده‌اند» (باقری، ۱۳۷۰:۱۲۴).

در دنیای امروزی همه از فساد اخلاقی نگران‌اند. اخلاق پاک، اساس سازمان اجتماع صحیح و نتیجه همه شریعت‌هایی است که خداوند توسط پیامبران به مردم تبلیغ کرده است. جلوگیری از هزاران مفاسد جز به تهذیب اخلاق میسر نیست. از جمله فضایل اخلاقی که در زندگی انسان نقش مهمی ایفا می‌کنند، مسئله «خوف و رجا» است. آدمی بایستی از خداوند و عظمت کبریایی‌اش و نیز از پیامدهای پرونده عملکرد خویش ترس داشته باشد و هم‌چنین با در نظر گرفتن رحمت گسترده الهی، به الطاف و وسعه او امیدوار باشد. ترس از خداوند افزون بر اینکه از کمالات معنوی است، سرچشمه بسیاری از فضایل انسانی، اصلاح نفسانی و سبب علاج امراض روحی است. ناامیدی موجب قطع ریشه زندگی و انزوای اجتماعی می‌شود و امید، سبب تلاش‌ها می‌گردد.

در فطرت انسان بیم و امید با هم ترکیب شده‌اند و ترس از درد و رنج و ناتوانی، احساسی است که از درون آدمی برمی‌خیزد و از سوی دیگر، بشر به امنیت و راحتی امید دارد. خوف و رجا افکار، رفتار، اهداف و جهات زندگی فرد را ترسیم و مشخص می‌کند و انسان بر وفق و میزان آن‌ها راه زندگی را انتخاب می‌نماید. انسان، در جهت دستیابی به کمال، نیروهایی همچون قوه عقل و خرد و اراده دارد. تکامل او منحصر به وجود قوای تکوینی و طبیعی او نیست؛ بلکه وی

1. Rogers
2. Freud
3. Franken
4. Murji'a

موجودی است که روح الهی در او دمیده شده و قوای ذکر شده، فقط لازمه سیر او به مدارج عالی کمال است و برای به فعلیت رساندن این قوا - یعنی تخلق انسان به اخلاق الهی و کمالات متعالی انسانی - به تربیت اخلاقی نیاز دارد.

بسیاری از اخلاق پژوهان مسلمان معتقدند مراد از تربیت اخلاقی ایجاد نوعی دگرگونی در انسان است که دامنه آن سه عنصر فکری، احساسی و عاطفی و رفتاری را در برمی گیرد (باقری، ۱۱۱:۱۳۷۷) و به انسان می آموزد چگونه روابطی را با خدا، خویشتن و محیط پیشه کند تا کمالات شایسته انسانی را به دست آورد و به هدف غایی خلقت خویش برسد. در میان این روابط سه گانه رابطه انسان با خداوند از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چنان که امام علی (علیه السلام) می فرماید: «هرکس رابطه خود را با خدا اصلاح کند، خداوند رابطه او را با مردم اصلاح خواهد نمود» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸، ح ۱۲: ۳۶۶).

«خوف در لغت به معنای ترس از خطری واقعی است که در حال یا آینده اتفاق می افتد» (راغب اصفهانی، ۳۳: ۱۳۸۶). در قرآن خوف در برخی موارد فقط متعلق به امور و حالات عادی و زندگی روزمره آدمی است (بقره، ۱۸۲)؛^۱ اما در بسیاری از موارد نوعی رابطه خاص میان انسان و خداوند است که به ترس از عقوبت و گرفتار آمدن به غضب الهی اطلاق می شود (رعد، ۲۱ و ۲۸).^۲ اهمیت «خوف از خدا» به اندازه ای زیاد است که قرآن، آن را از جمله شرایط ایمان معرفی می کند و می فرماید: «از من بترسید^۳ اگر اهل ایمان هستید» (آل عمران، ۱۷۵) و به اولیای الهی مژده می دهد در صورت ترس از خدا، از هرگونه ترس دیگری ایمن خواهند بود: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، ۶۲). در روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز خوف از

۱. فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بِيَّتِهِمْ فَلَا إِيْمَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و هرکس بیم دارد که از وصیت موصی (به وارث او) جفا و ستمی رفته باشد و به اصلاح میان آنان پردازد بر او گناهی نیست و محققاً خدا آمرزنده و مهربان است.

۲. وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (رعد: ۲۱)؛ ... الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ ۗ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد: ۲۸)؛ و هم به آنچه خدا امر به پیوند آن کرده (مانند صلح و رحمت و محبت اهل ایمان و علم) می پیوندند و از خدای خود می ترسند و از سختی هنگام حساب می اندیشند؛ ... آن ها که به خدا ایمان آورده و دل هاشان به یاد خدا آرام می گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام بخش دلهاست.

۳. خوف ترس آگاهانه است؛ ترس ناآگاهانه را جبن گویند.

۴. إِيْمًا ذَلِكُمْ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ تنها این شیطان است که می ترساند دوستداران خود را، شما مسلمانان از آنان بیم و اندیشه مکنید و از من بترسید اگر اهل ایمانید.

خداوند رأس حکمت^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۸: ۴۵۳) و غایت علم^۲ (غررالحکم و درر الکلم، ترجمه رسولی محلاتی، ۱۳۸۲: ۳۴۴) تلقی شده است.

میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب اسرار الصلوه تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای درباره خوف آورده است: ۱- خوف ناقص: خوفی که دل را به درد آورد اما مانع از ارتکاب گناه نمی‌شود؛ ۲- خوف معتدل: خوفی که انسان را به اعمال نیک و جهاد با نفس برانگیزد و ۳- خوف زائد یا مضر: خوفی که به یأس و ناامیدی منجر می‌شود و آدمی را از عمل بازمی‌دارد (کریم پور، ۱۳۹۳). برای اینکه «خوف» به یأس تبدیل نشود، بایستی در تعادل و موازنه با «رجا» قرار بگیرد. این موازنه در تمامی آنات باید بین خوف و رجا برقرار باشد؛ به نحوی که نه خوف بر رجا رجحان یابد و نه رجا بر خوف. انسان باید از یک طرف خائف از عذاب الهی و از طرف دیگر امیدوار به رحمت الهی باشد از این رو، در بحث‌های اخلاقی دینی این دو باهم ذکر شده‌اند و بر ضرورت حفظ تعادل میان آن‌ها تأکید شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

امید و ترس به‌عنوان ابزارهایی برای کنترل و شکل دادن شهروندان مطلوب - که به‌نوبه خود به جامعه مطلوب شکل می‌دهند - مورد استفاده قرار می‌گیرند. امید و ترس کنترل زندگی انسان را رها نمی‌کنند و آموزش و پرورش برای توسعه پایدار به یک سلسله اولویت‌های علمی نیاز دارد که آن را به یک گفتمان اخلاقی مرتبط سازد و دو عامل ترس و امید در بروز عملکرد افراد نقش دارند. از آنجایی که آینده، نامعلوم و مبهم و پُر از عدم اطمینان است، افراد را دچار وهم و ترس می‌کند و برای رهایی از ترس‌های موجود در آینده، باید احساس امید و ترس، به‌عنوان ابزارهایی بر تعلیم و تربیت حاکم شوند (دالیک^۳، ۲۰۱۴).

بر اساس آنچه بیان شد، «خوف» و «رجا» دو مؤلفه مهم در تربیت انسان‌ها و هدایت به‌سوی خداوند هستند که در همه امورات دنیوی و اخروی نقش آفرین‌اند و از آنجایی که آدمی هر کار اختیاری و عقلانی را حساب شده و به امید رسیدن به خیر و نفع و یا ترس از ضرر انجام می‌دهد، اگر این بیم‌وامیدهای انسان جهت الهی پیدا کنند، تمامی آن بیم‌ها و امیدها در مسیر مثبت و مفید به جریان می‌افتند در نتیجه، این امر پژوهشگران را به مطالعه در خصوص مباحث تربیت دینی ترغیب

۱. رأسُ الحِکْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ.

۲. غَايَةُ الْعِلْمِ الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ.

می‌نماید تا از تعالیم و آموزه‌های دینی برای فرآیند تعلیم و تربیت و فعالیت‌های روزمره آن بهره بگیرند. در همین راستا، این مقاله به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال است که آثار تربیتی خوف و رجا از دیدگاه اسلام با تکیه بر آیات شریفه قرآن کریم چه می‌باشند؟ بدین منظور، با مطالعه آیات مربوط به این دو واژه و با مدد از احادیث ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به مثابه مفسران و عاملان کتاب وحی، آثار تربیتی خوف و رجا در تعلیم و تربیت شناسایی خواهد شد.

مبانی نظری

مفهوم‌شناسی خوف و مفاهیم وابسته به آن

«خوف در فارسی به معنای ترس، بیم و هراس» (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۷۷) و در عربی به معنای «نگرانی از بروز امری ناخوشایند در آینده است که بر اساس نشانه‌های قطعی یا گمانی که به‌طور طبیعی نگرانی در پی دارد، پدید آمده است و این نگرانی، شخص را به اقدام برای رفع آن، وامی‌دارد» (دلیری، ۱۳۸۸: ۲۰). «راغب می‌گوید: «خوف، انتظار امر ناپسندی از نشانه‌ای مشکوک یا معلوم است، چنان‌که امید و طمع انتظار امری پسندیده از نشانه‌ای مشکوک یا معلوم است. خوف ضد امنیت است و در امور دنیوی و اخروی هر دو به کار می‌رود. ... منظور از ترس خدا، همان ترس ناشی از وحشت - مثل احساس ترس از شیر - نیست؛ بلکه مراد، خودداری از گناهان و دست‌یازیدن به طاعت است؛ لذا گفته شده است کسی که ترک گناه نکرده است، ترسو و خائف محسوب نمی‌شود» (عضیمه، ۱۳۸۰: ۲۳۹).

برخی از واژه‌های هم‌ردیف خوف که در قرآن کریم و روایات به کار رفته‌اند، عبارتند از: خَشِیَّت: به معنای خوف است؛ خوفی که آمیخته با بزرگداشت باشد و در بیشتر موارد، برخاسته از علم به چیزی است که از آن می‌ترسد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶: ۲۸۳). هَیِّت: به معنای ترس همراه با بزرگداشت کسی است که از آن می‌ترسد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، جلد ۱: ۷۸۹).

رَهَبَت: به معنای خوف است؛ خوفی که همراه با دوری جستن و اضطراب باشد. برخی نیز گفته‌اند رهبت در مقابل رغبت به معنای حالت استمرار خوف است (مصطفوی، ۱۳۶۸، جلد ۳: ۱۴۵).

شَفَقَت: نوعی از ترس است که نسبت به دیگران تحقق پیدا می‌کند و به این معناست که بر دیگری به سبب دلسوزی و خیرخواهی نسبت به او بترسد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶: ۴۵۹-۴۵۸). در زبان فارسی نیز از این ماده واژه مشفق و شفیق به کار می‌رود.

وَجَل: واژه وجل را نیز برخی مترادف خوف و برخی به پنهان کردن ترس معنا کرده‌اند. برخی نیز میان وجل و خوف چنین تفاوت قائل شده‌اند که وجل در اصل به معنای اضطراب و ناآرامی درونی است و خوف از آثار آن است (مصطفوی، ۱۳۶۸، جلد ۱۳: ۴۲-۴۱).

فَزَع: برخی این واژه را به معنای ترس گرفته‌اند و برخی به معنای حالت گرفتگی و گریزی که از چیزی ترسناک به انسان دست می‌دهد. برخی نیز آن را ترس شدید همراه با اضطراب، به سبب ناخوشی ناگهانی معنا کرده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۸، جلد ۳: ۱۴۵؛ جلد ۹: ۸۱-۸۲).

وَحَشَت: این واژه در مقابل «انس» است و به ترسی گفته می‌شود که از احساس تنهایی و بی‌مونسی به انسان دست می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۶۸، جلد ۴: ۱۵۷؛ جلد ۱۳: ۴۲-۴۳).

دَهَشَت: به حالتی گفته می‌شود که به سبب ترس یا شرم، اندیشه و قدرت تصمیم‌گیری از انسان گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، همان حیرت و اضطراب و سرگردانی آشکار است (فراهیدی، ۱۴۰۹، جلد ۳: ۳۹۸).

خُشُوع: به معنای حالت تضرع است؛ با این تفاوت که اثر خشوع در حالات و اعضای بدن مانند چشم و صحبت کردن آشکار می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶: ۲۸۳).

حَذَر: به معنای دوری جستن از چیز ترسناک است؛ یعنی اگر ترس از چیزی سبب دوری از آن شود، به این عمل، حذر می‌گویند. به عبارت دیگر، حذر ترس همراه با احتیاط است و دوراندیشی در مفهوم آن نهفته است (مصطفوی، ۱۳۶۸، جلد ۲: ۱۸۲؛ جلد ۳: ۱۴۵).

انواع خوف

بنا به عقیده بیداران راه و عاشقان الله، خوف بر سه نوع است: ۱. خوف طبیعی ۲. خوف مذموم ۳. خوف ممدوح (انصاریان، ۱۳۸۶)، که به نحو موجز بیان می‌شوند.

خوف طبیعی: همچون حالات واقعی دیگر، از خطوط اصلی نفس است و این حالت برای حفظ جان از حوادثی چون بیماری، تصادف، دور شدن از منطقه خطر، چگونگی مواجهه با حیوانات درنده، زلزله، رعدوبرق، سیل و بادهای خطرناک به کار گرفته می‌شود. اگر این حالت

عالی نفسانی به انسان عنایت نمی‌شد و آدمی در برابر آن گونه حوادث و پیشامدها بر خود نمی‌هراسید، در مقام حفظ نفس بر نمی‌آمد و در این صورت، از هیچ حادثه‌ای در امان نمی‌ماند و حیات انسان در کره خاکی در معرض نابودی قرار می‌گرفت (انصاریان، ۱۳۸۶). می‌توان این آیات شریفه را ناظر به همین نوع از خوف دانست: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا؛ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا؛ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا» (الزلزله، ۳-۱).

خوف مذموم: خوفی است که ارتباطی با مسائل خطرآفرین ندارد و هم‌چنین نیز ربطی به مسائل عالی الهی از قبیل ترس از عذاب فردا یا ترس از مقام و هیبت حق ندارد؛ بلکه علت آن تصورات باطل و وهم و خیالات فاسده نسبت به پاره‌ای از امور است که انسان با اندکی تأمل نسبت به آن امور که زائیده خیالات و اوهام است، حس می‌کند که خوفش امری بیهوده و حالتی غیرمنطقی است (انصاریان، ۱۳۸۶). آیه ۷۷ سوره نساء بیان‌گر همین نوع از خوف است که در آن ترس، سرچشمه اعتراض به جهاد و روی‌گردانی از آن محسوب می‌شود و مذموم (ناپسند) است: «الْمُتَرِّقِينَ إِلَى الدِّينِ يَقُولُ لَهُمْ لَكُمُ الْغَيْبُ وَآيَاتُ الْغَيْبِ وَالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ ۗ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ ۗ وَلَٰكَمَا تظَلُمُونَ فَتِيلًا» (نساء، ۷۷)¹.

خوف ممدوح: خوفی است که همچون حالات عالی دیگر روانی برای انسان از ضروریات است؛ زیرا بدون این خوف راهی برای ترقی و تعالی وجود ندارد و انسان بدون این خوف در پیشگاه الهی جایی ندارد. این خوف از اوصاف عالی موقنین و از آثار برجسته وجود متقین و نشانه‌ای از اتصال محبین به خداوند است. خوف پر و بالی است که به وسیله آن بندگان حضرت حق، به سوی مقام شایسته‌ای پرواز کرده و به سبب آن از منازل پر حول آخرت با کمال اطمینان عبور می‌کنند. این نوع خوف همان ترس از مقام عالی و بلندمرتبه خداوند است (انصاریان، ۱۳۸۶). خداوند متعال در سوره اسراء می‌فرماید عذاب پروردگار در خور ترس و وحشت است که

۱. آیا نمی‌نگری به کسانی که [پیش از هجرت، هنگامی که] به آنان گفته شد: «[اکنون از مبارزه] دست‌نگه‌دارید و نماز به پا دارید و زکات بپردازید.» [از این دستور ناراحت بودند]، ولی چون [در مدینه] فرمان جهاد به آنان داده شد، گروهی از آنان از مردم [مشرك مکه] چنان می‌ترسیدند که گویا از خدا می‌ترسند، بلکه بیشتر و گفتند: «پروردگارا! چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟ چرا ما را تا مدتی کوتاه مهلت ندادی؟» بگو: «بهره دنیا اندک و ناچیز است و برای کسی که تقوا پیشه کند، آخرت بهتر است. و کمترین ستمی به شما نخواهد شد.»

این خود، مصداق و معنای خوف ممدوح (پسندیده) به شمار می آید؛ «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا» (اسراء، ۵۷)¹.

مفهوم‌شناسی رجا و مفاهیم وابسته به آن

رجا در لغت به معنای «امید، ضد یأس، آرزو، امل، بیوس، امیدواری، خلاف یأس و ناامیدی و نوامیدی، ... و به معنی طمع است. نزد سالکان عبارت است از آرامش دل به نیکی وعد و برخی گفته‌اند رجا اعتماد به بخشایش از جانب کریم ودود است و دیگری گوید متوقع بودن نیکی است از جانب کسی که نیکویی به دست اوست و بس» (دهخدا، ۱۳۴۱، جلد ۱۳: ۵۲۵-۵۲۴).

رجا عبارت است از انبساط و سرور دل، به جهت انتظار امر محبوب و این سرور و انبساط را وقتی رجا و امیدواری گویند که انسان، بسیاری از اسباب رسیدن به محبوب را تحصیل کرده باشد؛ اگر کسی بعضی اسباب را تحصیل کرده و بعضی را تحصیل نکرده باشد، حصول محبوب مشکوک‌کفیه است در نتیجه، به آن آرزو و تمنا می‌گویند (نراقی، ۱۹۶ق، جلد ۱: ۲۸۱-۲۸۰). منظور از رجا در این پژوهش چنین است: امید داشتن به رحمت الهی، امیدوار به بخشش و رأفت خداوند مهربان که شفاعت کننده نفس انسان بوده و او را به سوی خداوند بلندمرتبه رهنمود می‌سازد.

از واژه‌های مترادف رجا که در قرآن کریم و ادعیه منسوب به ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بیان شده‌اند، موارد زیر را می‌توان برشمرد:

طَمَع: از تمایل نفس از روی حرص، آرزوی شدید و آزمندی، به چیزی که خارج از دسترس انسان باشد و چون طمع ورزیدن، به خاطر میل و هوای درونی است، گفته شده که (الطمع طبع) یعنی (طبع، طبیعی) است. مطابق آنچه در کتاب لغت آمده است، اغلب موارد استعمال این واژه زمانی است که فرد امید زیادی برای رسیدن به هدف خود داشته باشد.

۱. آنانرا که می‌خوانند، [مانند عیسی و فرشتگان] آنان خود وسیله‌ای برای تقرب به پروردگارشان می‌جویند، وسیله‌ای هرچه نزدیک‌تر و به رحمت او امیدوارند و از عذابش بیم‌ناک. همانا عذاب پروردگارت در خور پرهیز و وحشت است.

أمل: آرزو، امید. این کلمه تنها دو بار در قرآن کریم (کهف، ۴۶ و حجر، ۳)^۱ بیان شده است (قرشی، ۱۳۷۱، جلد ۱: ۱۱۳). امل آرزویی است که انتظاری طولانی در آن وجود دارد؛ یعنی امکان حصول و دستیابی به آن، دور است (مصطفوی، ۱۳۶۸، جلد ۱: ۱۴۹-۱۴۸). منی: عبارت است از میل به حصول امری همراه با تقدیر و اندازه‌گیری آن (مصطفوی، ۱۳۶۸، جلد ۱: ۱۸۵).

از میان واژه‌های یادشده، «تنها رجا است که فرد امیدوار در راه رسیدن به امیدش تلاش می‌کند و موجبات رسیدن به امر محبوب را فراهم می‌آورد؛ در صورتی که در سه واژه دیگر، فرد امیدوار تنها امید به رسیدن به امر محبوب را دارد، بدون اینکه خود را برای حصول به آن، آماده و مهیا گرداند» (محققان و پرچم، ۱۳۹۱: ۸).

انواع رجا

رجا به دو قسم «رجای تکوینی» و «رجای تشریحی» تقسیم می‌شود؛ «امید به لطف و رحمت پروردگار گاه در تشریحات است، مثل بخشش و آموزش معاصی و گاه امید، در تکوینیات است. خداوند در سوره شورا آیه ۲۸ می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ»؛ اوست کسی که باران را پس از آنکه [مردم] نومید شدند فرومی‌آورد و رحمت خویش را می‌گسترده و هموست سرپرست ستوده» (خزائلی، ۱۳۸۴: ۲۷۹).

در بحث رجای تشریحی آمده است «اگر انسان گناه کرد و خود را با عدالت خدا وفق نداد و در نتیجه، با اعتقاد به عدالت خدا، عذاب و انتقام الهی را برای خودش پیش‌بینی کرد، هنگامی که خود را امیدوار به رحمت خداوند قرارداد، یک احساس راحتی روحی برای آن پیدا می‌شود و به لطف و احسان خدا طمع می‌کند. در دعای ابوحمزه ثمالی، حضرت سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «پروردگارا، وقتی به گناهانم نگاه می‌کنم، جزع و بی‌تابی می‌کنم و فریادم بلند می‌شود؛ اما وقتی

۱. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (الکهف، ۴۶). مال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست؛ و باقیات صالحات [= ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است»؛ «ذَرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُهُمُ اللَّهُمُّ الْأَمَلُ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (حجر، ۳). بگذار آن‌ها بخورند و بهره‌گیرند و آرزوهای آنان را غافل سازد؛ ولی بزودی خواهند فهمید».

کرم تو را می‌بینم، آن وقت به طمع عفو و احسان تو می‌افتم». منشأ طمع و امید بنده، کرم و بخشش خداست و اگر پروردگار روی خوش نشان می‌دهد که به سوی ما بیا تا تو را ببخشیم، این معنی خوف و رجا است و استثنائی در آن نیست» (خزائلی، ۱۳۸۴: ۲۸۰-۲۷۹).

درجات رجا

رجا درجاتی دارد که عبارت‌اند از: «رجای عام»، «رجای اهل ریاضت» و «رجای اصحاب قلوب». «رجای عام، آن حالتی درونی است که محرک انسان به سوی طاعات و عبادات و بازدارنده او از معاصی و گناهان است. رجا محرک به سوی عمل نیک و بازدارنده از عمل زشت است و این مربوط به عامه مردم است که در سطح ابتدایی مسائل معنوی هستند. رجا اهل ریاضت که موجب می‌شود انسان از لذت‌های حیوانی دست کشیده، به سراغ علم شریعت برود، آن را بیاموزد و همه اعمال و حرکاتش را با دستورات الهی تنظیم کند. درجه سوم، رجا اصحاب قلوب است؛ زیرا امید آن‌ها به لقای الهی است و دیدار خدا تنها امید آن‌هاست. در این نوع رجا متعلق، امید یکی مغفرت و دیگری رحمت است. انسان زمانی امید به بخشش خداوند دارد که در اینجا نقش امید به مغفرت، پررنگ می‌شود و درجایی دیگر، امید به دیدار خداوند دارد و زمانی که رحمت خدا شامل حال او می‌گردد، خوشحال می‌شود؛ زیرا به امیدی که به آن دل بسته است، دست می‌یابد» (تهرانی، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع خوف و رجا (بیم و امید) پژوهش‌های متعددی انجام شده است. از این میان، مواردی که ارتباط نزدیک‌تری با پژوهش حاضر دارند، بدین شرح‌اند:

خاری آرانی، رهنما، علی اکبرزاده آرانی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مفهوم امید در قرآن و روایات و نقش آن در تربیت انسان» به این نتیجه رسیدند که در قرآن دو نوع امید شامل امید صادق و امید کاذب به کاررفته است. امید آثاری در تعلیم و تربیت و زندگی فردی و اجتماعی و در مفهوم بهتر در حوزه‌های ارتباط با خود، دیگران و جهان به جا می‌گذارد که از جمله می‌توان به مواردی همچون فعالیت هدفمند، آرامش و آینده‌نگری اشاره نمود. از طرفی، از تأکیدها و دستورات بیشتری که درباره رجا و آثار و دلالت‌های تربیتی آن وجود دارد، می‌توان فهمید که

اساس تعلیم و تربیت بر پایه امید است.

جعفری (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای که با عنوان «نقش خوف و رجا در حیات اخلاقی انسان» به رشته تحریر درآورده، معتقد است خوف و رجا جای حقیقی هرگونه موانع کمال را از سر راه انسان برمی‌دارد، موجب وصول انسان به مراتب بالای قرب الهی می‌گردد و برای هر انسان خواهان سعادت، اعم از سعادت دنیوی و اخروی لازم است. مؤمن راستین هم امید به لطف و رحمت حق تعالی دارد و هم از عذاب و کیفر خداوند وحشت دارد. امید تنها بدون عمل، غرور و خودفریبی است، خوف تنها نیز ناامیدی می‌آورد که از گناهان بزرگ و خطر آفرین است.

داوودی فرقانی (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه خود تحت عنوان «جایگاه و نقش خوف و رجا در اخلاق از دیدگاه کتاب و سنت» بیان می‌دارد ترس و امید از جمله هیجاناتی می‌باشند که همواره مورد توجه هر انسانی است. اخلاق و تربیت اسلامی با بهره‌مندی از این دو حالت نفسانی، آن‌ها را دو عامل بسیار مؤثر در تهذیب اخلاقی و کمال انسانی قرار داده‌اند.

علایی رحمانی (۱۳۹۲)، پژوهشی تحت عنوان «واکاوی مفهوم ترس با تکیه بر نوع ضد ارزشی آن در قرآن» را به انجام رساند و در آن اظهار می‌دارد، مفهوم «خوف» در قرآن با واژگانی چون «خشیه»، «وجلّه»، «اشفاق»، «حذر»، «رعب»، «رهبه»، «روع»، «فرق»، «فزع» و غیره آمده‌اند که همگی آن‌ها به ترس معنا شده‌اند. وی هم‌چنین اذعان دارد که متضاد «خوف»، واژه «رجا» است.

طیب حسینی (۱۳۹۲)، در مقاله خود با عنوان «پژوهشی در معنای واژه قرآنی خشیت و تفاوت آن با خوف»، در شرح واژه «خشیت»، آن را ترسی ارادی دانست که از روی علم و معرفت همراه با تعظیم در نفس آدمی ایجاد می‌شود و او را به فروتنی وامی‌دارد؛ اما «خوف» آن انفعال نفسانی و واکنش غریزی و طبیعی نفس انسانی و حیوانی است که بر اثر انتظار فرارسیدن امری ناخوشایند یا از دست دادن امری خوشایند پدید می‌آید.

آرین (۱۳۸۶)، در مقاله خود تحت عنوان «خشیت و خوف از دیدگاه قرآن و عرفان» به این مهم دست یافت که «خشیت» و مترادف اصلی آن «خوف»، از جمله مفاهیم اساسی عرفان و تصوف اسلامی است که به عنوان یکی از مراحل اصلی سیر و سلوک در مسیر حقیقت و شناخت پیش روی سالک قرار می‌گیرد. انسان همواره در مسیر بندگی خود با عقَبه‌ها و موانع بازدارنده گوناگونی روبرو بوده است که هر آینه او را از مسیر بندگی منحرف کرده‌اند و «خشیت» - که نوعی خشوع و حیرت در برابر عظمت خداوند و نعمت و موهبتی بی‌منت از جانب آفریدگار یکتا بوده است -

انسان را در این گرده‌های پرخطر سلوک و شناخت رهنمون کرده و او را به سلامت و اخلاص به سرمنزل مقصود سوق می‌دهد. این نعمت همواره با «رجا»؛ یعنی امیدواری به رحمت بی‌کران خداوند همراه شده است تا بنده در سایه آن به یأس و نومیدی از رحمت و اسعاهش گرفتار نگردد.

بهمنی، امینی، طبعی و عباسی (۲۰۱۷)، در پژوهشی که تحت عنوان «مفاهیم امید و ترس در اندیشه اسلامی: پیامدهای سلامت معنوی» انجام دادند، به این مهم دست یافتند که امید و ترس از سه عنصر مفهومی تشکیل شده‌اند؛ عاطفی، شناختی و رفتاری که به منزله امیال «قابل ستایش» شناخته می‌شوند و با خدا به عنوان هدف نهایی مرتبط می‌شوند. با این وجود، این امید و ترس زمانی قابل ستایش‌اند که با هم در تعادل باشند و برقراری این تعادل، شرط لازم برای سلامت معنوی است. اوهلاندر^۱ (۲۰۰۵)، در پژوهش خود با عنوان «ترس از خدا (تقوا) در قرآن: برخی از یادداشت‌ها در مورد تغییر معنایی و زمینه موضوعی»، بیان می‌دارد که از اصطلاحات رایج در قرآن، تقوا یا «ترس از خدا»، به عنوان یک موضوع اصلی و برجسته از دیدگاه قرآنی است. وی در مطالعه خود هم به لحاظ لغوی و هم از نظر معناشناختی به بررسی «ترس از خدا» می‌پردازد؛ به نحوی که این اصطلاح در درون گفتمان جهان‌شمول قرآن واقع می‌شود و پیشنهاد می‌دهد که برای درک بهتر موقعیت و افزایش محدوده دید، با در نظر گرفتن معانی وسیع‌تر این اصطلاح و هم‌چنین پویایی خود متن قرآن که کلید ساختار موضوعی قرآن را شکل داده است، به بررسی اصطلاح ترس از خدا پرداخته شود. از همین روی، به لحاظ روش شناختی در پژوهش خود، یک بررسی آماری اصولی از واژگان قرآنی به عمل آورده است که با استفاده از کامپیوتر به تجزیه و تحلیل یک فهرست جامع از همه مشتقات مورفولوژیکی رادیکال‌ها، نشان‌دهنده ایده کلی «ترس» است. در یک گروه‌بندی معنایی بزرگ‌تر، اصطلاح «تقوا» به «ترس از خدا» تعلق دارد که بر اساس نتایج این بررسی تجربی از قرآن استخراج شده است.

چانگ^۲ (۱۹۹۸)، در پژوهشی با عنوان «امید، توانایی حل مسئله و راه‌کارهای مقابله یک دانشجو در کالج: برخی از مفاهیم برای نظریه و عمل» که بر روی ۲۱۱ دانشجو، به منظور بررسی تأثیر امید زیاد و کم در توانایی حل مسئله و راه‌کارهای مقابله با موقعیت‌های تحصیلی و بین‌فردی استرس‌زا انجام داد، به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان با امید بسیار بالا به توانایی‌های حل مسئله،

1. Ohlander, E. S.

2. Chang, E. C

از دانش آموزان با امید کم، موفق تر بودند. هم چنین استراتژی‌هایی که دانشجویان با امیدواری بالا و دانشجویان با امیدواری کم برای مقابله با موقعیت‌های بین فردی استرس‌زا برمی‌گزیدند، تفاوت داشت.

از آنجایی که «خوف و رجا» از موضوعات بسیار مهم در رابطه با چگونگی زندگی انسان و تربیت وی است، پژوهش‌های انجام شده درباره نقش این دو مفهوم در زندگی و تربیت انسان، همه زوایای معنایی آن‌ها را روشن نکرده‌اند و براین اساس، واکاوی این مفاهیم با رویکردی تربیتی می‌تواند به تکمیل خلأ موجود در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی و در خصوص این واژه‌های کلیدی و مضامین اساسی تربیتی آن‌ها، در قرآن کریم کمک نماید.

اگرچه تعداد انگشت‌شماری از پژوهش‌های یادشده به لحاظ عنوان با پژوهش حاضر مشابهت اندکی دارند؛ اما از حیث هدف پژوهش، روش پژوهش و نتایج پژوهش با آن تفاوت دارند. با توجه به اینکه، اهتمام نخست نگارندگان این مقاله، کنکاش مضامین تربیتی خوف و رجا در قرآن بوده است؛ این امر سبب همسو شدن برخی از یافته‌ها در کلیت آن، گردیده است؛ اما آنچه هدف اصلی پژوهش حاضر بوده است که خود به نوعی بیانگر وجوه تمایز آن با تحقیقات پیشین است، تبیین آثار تربیتی خوف و رجا از دیدگاه اسلام با تأکید بر قرآن کریم با روش تحلیل مفهومی است که دستاوردهای ویژه‌ای نیز به همراه داشته است.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد اصلی این پژوهش کیفی^۱ است. جهت نیل به اهداف پژوهش، از میان روش‌های گوناگون در حیطه رویکرد کیفی، از روش تحلیل زبانی و مفهومی استفاده شده است. نحوه کاربست روش مذکور در این مطالعه بدین گونه است که «کلمه موردنظر، در بافت^۲ یا به تعبیر رایج نزد مفسران قرآن در سیاق جمله‌هایی که در آن‌ها به کاررفته موردتوجه قرار گیرد. منطق این شیوه آن است که یک کلمه که می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد، باید برحسب بافت جمله‌هایی که آن را دربر گرفته‌اند، موردتوجه قرار گیرد تا معلوم شود که چه معنایی از آن مراد شده است» (باقری، ۱۳۸۹: ۱۷۲). این روند برای تحلیل آیات حاوی واژه «خوف» و «رجا» به‌طور جداگانه و نیز

1. Qualitative approach
2. context

آیات متضمن واژه‌های «خوف و رجا» به صورت توأمان انجام شده است. بدین سبب، این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به سؤالات زیر است:

آثار تربیتی مختص به خوف در سطح فردی و اجتماعی چه می‌باشند؟

آثار تربیتی رجا در سطح فردی و اجتماعی کدام‌اند؟

آثار تربیتی اجتماع خوف و رجا در سطح فردی و اجتماعی چه می‌باشند؟

یافته‌های پژوهش

خوف و رجا در انسان آثار مهم و مفیدی برجای می‌گذارد. بسیاری از مردم به سبب افراط در امید و ترس است که یا گرفتار کفر می‌شوند یا به دامن گناه می‌افتند. محبت و مهربانی بیش از اندازه، این توهم را در کودک و نوجوان ایجاد می‌کند که هر کاری مرتکب شود، هیچ‌گونه ایرادی ندارد و مجاز است و تنبیه نخواهد شد. از سوی دیگر، برخی در تربیت با انجام رفتارهای خشونت‌آمیز، زمینه فرار کودکان و نوجوانان را فراهم می‌سازند؛ اما خداوند با توجه به این مسئله طبیعی و پیامدهای آن است که بر حالت بینابین خوف و رجا تأکید می‌کند تا شخص نه گرفتار تکبر شود و به دام طمع افتد و نه چنان غرق در جلال و جبروت الهی شود که از خوف مقام او، خود را باخته و ناامید شود. در ادامه به آثار تربیتی این دو فضیلت اخلاقی پرداخته می‌شود؛ بدین ترتیب که نخست، آثار تربیتی مختص به خوف در سطح فردی و اجتماعی، سپس آثار تربیتی رجا در سطح فردی و اجتماعی و در نهایت، آثار تربیتی اجتماع خوف و رجا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

آثار تربیتی ویژه خوف در سطح فردی

اجتناب از دین‌فروشی و دوری از کفر

ترس از خداوند عامل بازدارنده‌ای است که سبب می‌گردد انسان دست به دین‌فروشی نزنند، حقیقت را از ترس مردم کتمان ننماید، بر اساس دستورات الهی عمل کند، تنها از خشم و غضب الهی ترس داشته باشد و در همه حال، خشنودی خداوند را بر خوشحالی مردم ترجیح دهد. چنانچه خداوند در سوره مائده می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَحْشَوْا النَّاسَ وَاحْشَوْا اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (مائده، ۴۴)،

ما تورات را نازل کردیم درحالی که در آن، هدایت و نور بود و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می کردند؛ و (هم چنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آن‌ها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می نمودند؛ بنابراین، (به خاطر داوری بر طبق آیات الهی) از مردم نهراسید! و از من بترسید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! و آن‌ها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرنند.»

خداوند در این آیه عالمان و دانشمندان دین را از دین فروشی و تحریف دین بر حذر می دارد و به آن‌ها هشدار می دهد که ترس از مردم برای اجرای احکام الهی و مال پرستی، عامل کفرپیشگی و کتمان حقایق آسمانی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، جلد ۴: ۳۹۱-۳۹۰).

پرهیز از هوای نفس

ترس از مقام خداوند مانع از هواپرستی است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳). یکی از مهم ترین آثار تربیتی خوف از خدا، این است که مانع ارتکاب معاصی می شود. در همین رابطه، خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ (نازعات، ۴۰)، و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد.»

انسان مؤمن که از مقام پروردگار و گناه در محضر او خوف دارد، از نفس خود مراقبت می کند و در محضر خدا معصیت نمی کند. «همه عالم محضر خداست. ما الآن در محضر خدا نشستیم. اگر قلب ما این معنا را ادراک بکند که ما الآن در محضر خدا هستیم، همین مجلس محضر خداست، این رو اگر مؤمن بشنود، قلب انسان بیاید این مطلب را، از معصیت کنار می رود. تمام معصیت‌ها برای این است که انسان نیافته این مسائل را» (صحیفه امام، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۳۸۳-۳۸۲).

شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: گروهی آلوده به گناه‌اند و می گویند امیدوار به رحمت حقیم و این آلودگی تا هنگام مرگ آنان ادامه دارد. حضرت در جوابش فرمودند: اینان به آرزوی بی جا دل خوش کرده‌اند، اینکه می گویند ما امیدواریم دروغ است؛ کسی که امید به رحمت دارد، از طریق عمل صالح، رحمت می جوید و هر که ترس از عذاب دارد، از گناه بازمی ایستد» (کلینی، ۱۳۷۹، جلد ۱: ۶۷).

ذکر و توکل به خداوند و برپایی نماز

خوف از خدا عامل ستایش و ذکر خداوند توسط فرشتگان است. خداوند در آیه ۱۳ سوره

رعد می‌فرماید: «وَيَسْبِحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقُ فَيَصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ (رعد، ۱۳)، و رعد، تسبیح و حمد او می‌گوید؛ و (نیز) فرشتگان از ترس او! و صاعقه‌ها را می‌فرستد؛ و هر کس را بخواهد گرفتار آن می‌سازد، (درحالی که آن‌ها با مشاهده این همه آیات الهی، باز هم) درباره خدا به مجادله مشغول‌اند! و او قدرتی بی‌انتها (و مجازاتی دردناک) دارد».

ذرات این عالم هستی همگی اسرار آمیزند و نظام بسیار دقیق و حساب‌شده‌ای دارند که تمامی آن‌ها از پاکی و منزّه بودن خداوند از هرگونه عیب و نقص حکایت می‌کنند و خبر از قدرت، علم و حکمت پروردگار می‌دهند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، جلد ۱۰: ۱۵۲). «رعد نیز مثل فرشته، تسبیحی آگاهانه و از روی شعور دارد و تسبیح فرشتگان بر اساس خشیت و خداترسی است» (قرائتی، ۱۳۸۸، جلد ۴: ۳۲۸). همیشه وظایف و تکالیف برای آنان که احساس مسئولیت می‌کنند ترس آفرین است؛ ترسی سازنده که آن‌ها را به تلاش و حرکت وامی‌دارد.

خشیت از خدا و بیم از بدی حساب توسط بندگان نیز عامل ذکر پروردگار و برپایی نماز است؛ چنانچه خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ؛ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (رعد، ۲۲-۲۱) و آن‌ها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می‌دارند؛ و از پروردگارشان می‌ترسند؛ و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند و آن‌ها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند؛ و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند؛ پایان نیک سرای دیگر، از آن آن‌هاست». صاحب‌المیزان اظهار می‌دارد خداوند در این دو آیه ویژگی‌های صاحبان خرد را معرفی می‌کند که از جمله آن‌ها خشیت از پروردگار، خوف از بدی حساب، برپاداشتن نماز و ... است (طباطبائی، ۱۳۷۰، جلد ۱۱: ۵۳۰-۵۲۸).

انعطاف‌پذیری در برابر حقیقت

انسانی که انعطاف‌پذیر نباشد، قساوت قلب داشته باشد و با حقیقت عناد بورزد، قابل هدایت نیست. دل او از سنگ نیز سخت‌تر است؛ زیرا سنگ نیز از خوف خدا درهم می‌شکند، منتها قلبی که دچار قساوت است، در مقابل پروردگار می‌ایستد. خداوند در قرآن درباره تأثیر خوف بر

انعطاف‌پذیری چنین می‌فرماید: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (بقره، ۷۴)» سپس دل‌های شما بعد از این واقعه سخت شد؛ همچون سنگ یا سخت‌تر! چرا که پاره‌ای از سنگ‌ها می‌شکافد، و از آن نهرها جاری می‌شود؛ و پاره‌ای از آن‌ها شکاف برمی‌دارد، و آب از آن تراوش می‌کند؛ و پاره‌ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می‌افتند؛ (اما دل‌های شما، نه از خوف خدا می‌تپد و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است!) و خداوند از اعمال شما غافل نیست».

آیه فوق این نکته را تصریح می‌کند که سنگ سخت نیز از خوف خداوند در هم می‌شکند یا آن قدر انعطاف دارد که از دل آن چشمه‌ها جاری می‌شوند؛ اما برخی از انسان‌ها به قدری قساوت قلب دارند که از سنگ هم، سخت‌تر شده‌اند از این رو، خوف از خداوند عامل مهمی در انعطاف‌پذیری انسان نسبت به حقیقت و شکل‌گیری شخصیت وی دارد و به واسطه آن بشر می‌تواند به شخصیت خود سامان ببخشد.

هدایت یافتن

«حضرت علی بن حسین (علیه السلام) فرمود: ای فرزند آدم! احوال تو به خیر و نیکی مقرون است، مادام که واعظی از نفس خود داشته باشی، ... و خوف الهی را شعار و پیراهن خود کرده باشی» (مجلسی، ۱۳۸۲، جلد ۲: ۹۹). انسانی که به رسالت انبیا و وحی الهی ایمان آورده است، اگر همواره خشیت [«الْخَشْيَةُ: الْخَوْفُ»] (فراهیدی، ۱۴۰۹، جلد ۴: ۲۸۴) الهی را در دل داشته باشد، راهنمایی دین الهی را به گونه‌ای صحیح دریافت می‌نماید و امیدوار است که در راه درست گام بردارد و به مقصد صحیح رهنمون و هدایت شود.

«خشیت از پروردگار، درک وابستگی خود و ربوبیت خدا و احساس مسئولیت در برابر اوست. آیات متعددی تحقق هدایت قرآن را منوط به وجود ویژگی‌هایی در انسان نموده‌اند که از جمله آن خصلت‌ها، خشیت است. بر اساس آیات قرآن خشیت از پروردگار ظرفیت شناخت و پذیرش وحی را در انسان به وجود می‌آورد. کسانی که خشیت از پروردگار دارند، همواره در پی یافتن مراد خدا از بندگانش می‌باشند و چون آیات قرآن بر آن‌ها عرضه شود، آن را مطلوب گمشده خویش

می‌یابند که آنان را به چگونگی جلب رضایت پروردگار و انجام عمل صالح راهنمایی می‌کند^۱ (رضایی اصفهانی و امینی، ۱۳۹۴: ۵۵). از این رو، خداترسی به منزله عاملی به شمار می‌آید که سبب هدایت انسان‌ها می‌گردد. خداوند در همین زمینه می‌فرماید: «وَكَلَّمَا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِي نُسُخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْتَابُونَ (اعراف، ۱۵۴)، هنگامی که خشم موسی (علیه‌السلام) فرونشست، الواح (تورات) را برگرفت؛ و در نوشته‌های آن، هدایت و رحمت برای کسانی بود که از پروردگار خویش می‌ترسند (و از مخالفت فرمانش بیم دارند)».

عبرت گیری و پندپذیری

مطابق آموزه‌های قرآن کریم، ترس از خداوند عامل مهمی در عبرت‌آموزی و پندپذیری انسان است؛ چنانچه خداوند در سوره نازعات پس از ذکر داستان حضرت موسی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى (نازعات، ۲۶)، در این عبرتی است، برای کسی که (از خدا) بترسد».

«پندآموزی از فرجام فرعون درس بزرگی است برای کسانی که نگران عاقبت دنیا و آخرت خود هستند. تنها خداترسان هستند که از عاقبت فرعون پند می‌گیرند و خود را از گرفتاری در فرجامی شبیه به آن بر حذر می‌دارند» (کاشانی، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

پذیرفتن انذار و تذکر

در برخی آیات قرآن کریم از ترس به عنوان شرطی برای پذیرش دعوت و هدایت انبیای الهی و پذیرش انذارها و تذکرها یاد شده است. چنان که خداوند می‌فرماید: «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذُّكْرَى، سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى» (اعلی، ۱۰-۹)؛ «خداوند پیامبر خود را امر می‌کند تا مردم را تذکر دهد و فایده این تذکر را از آن مردم، خداترسی معرفی می‌کند و در آیه بعد، خداوند به عکس‌العمل مردم در برابر تذکر، وعظ و اندرز پرداخته و آن‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کند؛ سپس می‌فرماید به‌زودی آن‌ها که می‌ترسند و احساس مسئولیت می‌کنند، متذکر می‌شوند» (مکارم شیرازی و همکاران،

۱. أَقَمَنَ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ ۖ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّن ذِكْرِ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ، اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ هُدًى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ (زمر، ۲۳-۲۲)، (مؤمنون، ۵۸-۵۷)، (یس، ۱۱)، (نازعات، ۲۶)، (فاطر، ۱۸) و ...

۱۳۸۰، جلد ۲۶: ۳۹۸-۳۹۶؛ بنابراین، خشیت عامل مهمی در پذیرش انذار و پندپذیری و تذکر پذیری در انسان است.

نترسیدن از غیر خدا

مادامی که مؤمن به این امر پی ببرد که رشته تمام امور در دست خداوند است و هم چنین اختیار تمام جهان هستی در سیطره الهی است، برای دیگران استقلالی نمی بیند که از آن‌ها بترسد؛ بلکه ترس او تنها از خداوند است، چون اتکای او تنها به خداوند است. از او می ترسد، روزبه روز بر ایمانش افزوده می شود و در نتیجه، پروردگار چنان قدرتی به او می دهد که از هیچ کس جز خدا نمی ترسد. این نکته در این آیه شریفه آمده است «وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمِمْ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (بقره، ۱۵۰)، و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجدالحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید! تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت بر نمی دارند)، دلیلی بر ضد شما نداشته باشند؛ (زیرا از نشانه‌های پیامبر که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او به سوی دو قبله نماز می خواند.) از آن‌ها نترسید! و (تنها) از من بترسید! (این تغییر قبله، به خاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید».

هم چنین در سوره احزاب آیه ۳۹، خداوند «نترسیدن از دیگران را شرط موفقیت در تبلیغ و آموزش دین می داند؛ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَكَانُوا يَخْشَوْنَ اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا؛ همان کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند و خدا برای حسابرسی کفایت می کند» (قرآنی، ۱۳۸۸، جلد ۷: ۳۷۴).

نیل به سعادت و رستگاری

ترس از خداوند موجبات سعادت و رستگاری ابدی انسان را فراهم می سازد. دست یابی به رستگاری، دستاورد ناب و بی بدیلی است که نصیب بندگان خدا ترس خواهد شد. خداوند در این زمینه می فرماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (نور: ۵۲)، و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند». این آیه به این نکته اشاره دارد که «سعادت، کاری به نژاد و سن و جنس

و قبیله ندارد، هر کس تسلیم خداوند باشد، رستگار می‌شود. آنچه ارزش است، خشیت درونی و پروای بیرونی است و اطاعت نباید موجب غرور شود؛ بلکه روحیه خشیت و تقوا لازم دارد و خدا ترسان تقوا پیشه که مطیع خدا و رسول خدا هستند، حتماً رستگار می‌شوند» (قرائتی، ۲۰۳:۱۳۹۲).

بهره‌مندی از پاداشی بزرگ

میوه شیرین ترس از خداوند در پیدا و پنهان (ظاهر و باطن)، بهره‌مند شدن از عطایا و مواهب اخروی است که در زبان قرآن از آن به «اجر کبیر» یاد شده است و خداوند به کسانی که به‌ویژه در نهران نسبت به پروردگارشان بیم (خشیت) دارند، نوید عطیه‌ای بس بزرگ را می‌دهد. این مهم در سوره مبارکه ملک بدین وجه بیان شده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (ملک، ۱۲)، (اما) کسانی که از پروردگارشان در نهران می‌ترسند، مسلماً آمرزش و پاداش بزرگی دارند».

نیک‌فرجامی و دست‌یابی به رضوان

خوف و خشیت از مقام پروردگار سبب نیل به فرجامی بس نیک برای بندگان خداست. خداوند در این مورد می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ، وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (رعد، ۲۲-۲۱)، و آن‌ها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می‌دارند؛ و از پروردگارشان می‌ترسند؛ و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند و آن‌ها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند؛ پایان نیک، سرای دیگر، از آن آن‌هاست».

«خداوند در این دو آیه ویژگی‌های اولوالألباب را معرفی می‌کند: ۱) وفای به عهد و ترک پیمان‌شکنی؛ ۲) حفظ پیوندها و پاسداری از آن‌ها؛ ۳) خشیت از پروردگار؛ ۴) خوف از بدی حساب؛ ۵) استقامت در برابر تمامی مشکلاتی که در مسیر اطاعت و ترک گناه و جهاد با دشمن قرار دارد؛ ۶) برپاداشتن نماز؛ ۷) انفاق در راه خدا در نهران و آشکار و ۸) ازین‌بردن سیئات به وسیله حسنات. سرانجام در پایان آیه به سرنوشت اولوالألباب، اندیشمندان و طرفداران حق و عاملان به

این خصوصیات اشاره می‌کند و می‌فرماید: «عاقبت نیک سرای دیگر آن‌ها است؛ بنابراین، کسانی که ترسانند و از حساب سخت و ناگوار قیامت هراس دارند، به فرجامی نیک خواهند رسید» (طباطبائی، ۱۳۷۰، جلد ۱۱: ۵۳۲-۵۲۸).

دست یابی به رضوان (بهشت) سرانجامی است خوش برای بندگان خداترس؛ عبارات قرآنی ناظر به این وعده الهی بدین نحو آمده‌اند: «جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» (بینه، ۸).

غفران الهی

خوف از خداوند موجب غفران و آمرزش الهی می‌شود و به واسطه آن، خداوند از گناهان این دسته از بندگان چشم‌پوشی می‌نماید و آنان را مورد رحمت و بخشش خود قرار می‌دهد، چنانچه می‌فرماید: «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (یس، ۱۱)، تو فقط کسی را انداز می‌کنی که از این یادآوری (الهی) پیروی کند و از خداوند رحمان در نهان بترسد؛ چنین کسی را به آمرزش و پاداشی پُرارزش بشارت ده».

احراز رضای حق

دست یابی به مرحله والای رضای حق و خشنودی پروردگار از نتایج خشیت خداوند است؛ این مهم در قرآن کریم چنین بیان شده است: «جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» (بینه، ۸)، پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان باغ‌های بهشت جاویدان است که نه‌ها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن می‌مانند! (هم) خدا از آن‌ها خشنود است و (هم) آن‌ها از خدا خشنودند؛ و این (مقام والا) برای کسی است که از پروردگارش بترسد. با توجه به اینکه کسب رضایت خداوند بالاترین مرتبه از مراتب عنایات الهی است و به شهادت خداوند «رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ»؛ این جایگاه والای بندگی و این نعمت و عنایت خاص خداوندی که در بالا بیان شد، نصیب و قسمت بندگان خواهد شد که خداترس‌اند و بدین وسیله رضایت خداوند را جلب کرده‌اند و شایسته خشنودی خداوند متعال

۱. وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينٍ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (التوبه، ۷۲).

گردیده‌اند.

بخشش گناهان و ایمنی در قیامت

سلامت فردای قیامت از آن اهل خوف و ترس است، قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید: *وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (الرحمن، ۴۶)*، و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی است. «ذات خداوند، منشأ رحمت است. توجه انسان به مقام و جایگاه خداوند در نظام هستی و دادگاه قیامت موجب دقت در رفتار و گفتار و پیشگیری از وقوع جرم و گناه می‌شود» (قرائتی، ۱۳۸۸، جلد ۹: ۴۰۵). این دقت و نظارت بر اعمال، ایمنی روز قیامت را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

بنا به فرمایش رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) «خداوند متعال در حدیث قدسی فرمود: من جمع نمی‌کنم بر بنده خود دو خوف را و جمع نمی‌کنم دو ایمنی را، پس اگر در دنیا از من ایمن است و خائف نیست، در روز قیامت او را می‌ترسانم و اگر از من ترسان است در دنیا، او را در روز قیامت ایمن می‌گردانم» (مجلسی، ۱۳۸۲، جلد ۱: ۴۵۵).

آثار تربیتی خوف در سطح اجتماعی

اجتناب از قتل

خدا ترسی سبب دوری و اجتناب از قتل و آدمکشی می‌شود. خداوند این نکته در سوره مبارکه مائده چنین متذکر شده است: *«لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ بِكَ لَأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (مائده، ۲۸)*، اگر تو برای کشتن من، دست دراز کنی، من هرگز به قتل تو دست نمی‌گشایم، چون از پروردگار جهانیان می‌ترسم». خداوند در آیه پیشین به ماجرای قربانی کردن هابیل و قابیل اشاره می‌کند که از یکی به دلیل قرب به خدا پذیرفته شد و از دیگری به دلیل ریاکاری مورد پذیرش قرار نگرفت و اینجا بود که قابیل به برادرش هابیل حسادت ورزید و به قتل او همت گماشت و تاریخ قتل و خونریزی در زندگی بشر را کلید زد؛ بنابراین، «خداوند در این آیه توانایی هابیل بر قتل برادرش قابیل را متذکر می‌شود و می‌فرماید: به دلیل اینکه هابیل خدا ترس و مؤمن به توحید ربوبی بود، ترس او از خداوند، مانع اقدام وی به پیش دستی در قتل برادرش شد؛ زیرا کشتن به ناحق، مخالفت و منازعه با مقام ربوبی است» (طباطبائی، ۱۳۷۰، جلد ۵: ۴۸۱). بدین سبب، خدا ترسی باعث جلوگیری انسان از قتل و آدمکشی می‌شود.

اجتناب از ولایت کافران

یکی دیگر از آثار اجتماعی خوف از خداوند، پرهیز از پذیرش ولایت کافران است. خداوند در این باره می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (آل عمران، ۲۸)، افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او به کلی از خدا گسسته می‌شود)؛ مگر اینکه از آن‌ها پرهیزید (و به خاطر هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید). خداوند شمارا از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد؛ و بازگشت (شما) به سوی خداست».

خداوند در این آیه چند نکته مهم را متذکر شده است:

- مؤمنان نباید در نظام زندگانی خویش به کافران اجازه تصمیم‌گیری دهند و با آنان روابط صمیمانه داشته باشند؛
- پس زدن مؤمنان از مقام سرپرستی و جایگزینی کافران به جای آنان، منافی ایمان و مورد نهی خداوند است؛
- پذیرفتن ولایت کافران و اظهار صمیمیت نسبت به آنان، ملازم با گسیخته شدن ارتباط با خداوند است؛
- ترس از خداوند، زمینه‌ساز بهره‌مندی از دوستی و ولایت خداوند و پرهیز از پذیرش ولایت کافران است» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

اطعام نیازمندان (انفاق)

یکی از مشکلات جامعه فاصله طبقاتی میان مردم است و در جامعه‌ای که توزیع ثروت به‌درستی انجام نشود، روزه‌روز این فاصله بیش‌ازپیش می‌گردد. خداوند در قرآن کریم انفاق را یکی از ابزارهای توزیع ثروت جهت کاهش فاصله طبقاتی ذکر نموده است و درباره آثار مفید انفاق چنین می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۶۱)، کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یک صد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند؛ و

خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع، و (به همه چیز) داناست».

«در این آیه انفاق را به بذر پُرباری تشبیه کرده است، بدین صورت که هر دانه گندم هفت سنبل می‌دهد و هر سنبل حاوی صد دانه است که جمعاً هفت صد دانه تولید می‌کند. همین طور است ثواب کسی که یک درهم انفاق می‌کند، یعنی هفت صد درهم انفاق کردن محسوب می‌گردد. انفاق نوعی ریاضت سنگین است و هدف اولیه آن، کندن ریشه دل‌بستگی به دنیا است؛ زیرا محبت و دل‌بستگی به دنیا را از جان انسان می‌کند و به او قدرت پرواز می‌بخشد و به همین دلیل، بیشترین پاداش‌ها را به خود اختصاص داده است» (بهرام، ۱۳۹۱: ۴۴).

خداوند با برشمردن ثواب انفاق به مؤمنان آن‌ها را به این کار خیر دعوت و تشویق می‌کند و در ادامه در آیه بعد، آینده انفاق کنندگان را تضمین می‌کند و مژده رسیدن به امنیت و آرامش را به آنان می‌دهد و می‌فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۲۶۲)، کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی دارند، و نه غمگین می‌شوند. «در تعالیم اسلام بر رفع گرفتاری برادر مؤمن تأکید شده است و هر کس که در جهت رفع حاجات مؤمنی قدم بردارد، خداوند پاداش فراوانی به او می‌دهد. برای نمونه، قرض دادن به مؤمن تا حد قرض دادن به خداوند، بزرگ شمرده شده و خداوند به چندین برابر شدن آن، وعده داده است» (رستمی نسب، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

خوف از خداوند نیز عامل مهمی در توزیع ثروت در جامعه است. خداوند در این باره می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۲۷۷)^۱. از این رو، کسانی که از خوف الهی و عمل به دستورات او انفاق می‌کنند، به پاداش بزرگی از سوی پروردگارشان وعده می‌دهد و می‌فرماید که سرانجام، این افراد از اندوه و ترس مبرا خواهند گشت.

۱. کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان است؛ و نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمگین می‌شوند.

پایبندی به عهد و پیمان

بهره‌گیری از الطاف خداوند، مشروط به گام برداشتن در مسیر تکالیف الهی است. آری، اگر مطیع خدا بودیم، خداوند نیز دعا‌های ما را مستجاب می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۷). پایبندی به عهد و پیمان نیز از آثار تربیتی خوف از خداوند است، چنانچه در قرآن کریم آمده است: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَإِنِّي فَارُهَبُونَ (بقره، ۴۰)، ای فرزندان اسرائیل! نعمت‌هایی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید! و به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم (و در راه انجام وظیفه، و عمل به پیمان‌ها) تنها از من بترسید».

سبقت جویی در نیکی‌ها

ترس از خداوند سبب سرعت و سبقت در نیکی‌ها و خوبی‌ها می‌شود، در این رابطه قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ، وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ، أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (مؤمنون، ۶۱-۵۷)، مسلماً کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناک‌اند؛ و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می‌آورند؛ و آن‌ها که به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند؛ و آن‌ها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می‌دهند و باین حال، دل‌هایشان هراسناک است از اینکه سرانجام به‌سوی پروردگارشان بازمی‌گردند؛ (آری) چنین کسانی در خیرات سرعت می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند (و مشمول عنایات ما هستند)».

خداوند در این آیات حال مؤمنان و سبقت جویان در خیرات را چنین توصیف می‌کند: کسانی که از بیم پروردگارشان بیمناک و هراسانند، آنان به نشانه‌های پروردگارشان ایمان دارند، بعد از مرحله ایمان به آیات مرحله تنزیه و پاک‌شمردن از هرگونه شبهه و شریک‌فرامی‌رسد و بعد مرحله معاد و روز رستاخیز فرامی‌رسد و در نهایت، بیان می‌دارد آنان در کارهای نیک شتاب می‌ورزند و در انجام آن‌ها سبقت می‌جویند (طباطبائی، ۱۳۷۰، جلد ۱۵: ۵۸-۵۴).

جدول ۱. آثار تربیتی خوف

شاهد قرآنی	آثار تربیتی خوف در سطح اجتماعی	شاهد قرآنی	آثار تربیتی خوف در سطح فردی	شاهد قرآنی

آثار تربیتی خوف در سطح اجتماعی	شاهد قرآنی	آثار تربیتی خوف در سطح فردی	شاهد قرآنی
اجتناب از قتل	(مائده، ۲۸)	اجتناب از دین‌فروشی و دوری از کفر	(مائده، ۴۴)
اجتناب از ولایت کافران	(آل عمران، ۲۸)	پرهیز از هوای نفس (تهذیب نفس)	(نازعات، ۴۰)
اطعام نیازمندان (انفاق)	(بقره، ۲۶۱) (بقره، ۲۶۲) (بقره، ۲۷۷)	ذکر و توکل به خداوند و برپایی نماز	(رعد، ۱۳) (رعد، ۲۱-۲۲)
پابندی به عهد و پیمان	(بقره، ۴۰)	انعطاف‌پذیری	(بقره، ۷۴)
سبقت جویی در نیکی‌ها ***	(مؤمنون، ۶۱) (مؤمنون، ۵۷)	هدایت (از اهداف غایی تربیت اسلامی) **	(اعراف، ۱۵۴)
<p>*** «وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَ فِي نُسُخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْتَدُّونَ» (اعراف، ۱۵۴)</p> <p>*** «جِزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» (بینه، ۸)</p> <p>*** «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ، أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مؤمنون، ۶۱-۶۰)</p>	عبرت‌گیری و پندپذیری	(نازعات، ۲۶)	۶
	پذیرفتن انذار و تذکر	(اعلی، ۱۰-۹)	۷
	عدم ترس (نترسیدن) از غیر خدا	(بقره، ۱۵۰) و (احزاب، ۳۹)	۸
	نیل به سعادت (رستگاری)	(نور، ۵۲)	۹
	بهره‌مندی از پاداشی بزرگ	(ملک، ۱۲)	۱۰
	نیک‌فرجامی و دست‌یابی به رضوان (از اهداف غایی تربیت اسلامی) **	(رعد، ۲۱-۲۲) و (بینه، ۸)	۱۱
	غفران الهی	(یس، ۱۱)	۱۲
	احراز رضای حق	(بینه، ۸)	۱۳
	بخشش گناهان و ایمنی در قیامت	(الرحمن، ۴۶)	۱۴

آثار تربیتی مفهوم «رجا» در سطح فردی

ممانعت از طغیان، عصیان و گناه

خوف از خدا مانع گناه، طغیان، عصیان‌گری و خودبرتربینی در انسان می‌شود خداوند در قرآن

می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَمْ أَنْزَلْ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةَ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا (فرقان، ۲۱)»، و کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند (و رستاخیز را انکار می‌کنند) گفتند: چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا پروردگاران ما را با چشم خود نمی‌بینیم؟! آن‌ها درباره خود تکبر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند». کسانی که به قیامت و روز حساب معتقدند و به لقای الهی امیدوارند، از گناه و عصیانگری دوری می‌کنند و امید دارند که به هنگام دیدار خداوند، مورد رحمت او واقع شوند.

ایجاد انگیزه در انسان

امید داشتن به نتیجه عمل به انسان انگیزه می‌دهد. «وعده‌های تخلف‌ناپذیر خدای سبحان باعث می‌شود که انسان معتقد به مقام الوهیت، همواره خود را در معرض الطاف الهی دانسته و در بحرانی‌ترین شرایط زندگی مأیوس نگردد» (رستمی نسب، ۱۳۹۳:۱۶۹). خداوند در خصوص امیدواری چنین می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره، ۱۸۶)»، و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند).

«اجابت دعا از سوی خداوند، نشانه نزدیکی او به بندگان است و باور به نزدیک بودن خداوند به بندگان و توان او در استجاب دعا، گرایش دهنده بندگان به سوی او و طاعت و بندگی خداوند است. نقش امید به نتیجه‌بخش بودن عمل در ایجاد انگیزه برای عمل مؤثر است» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶:۴۶-۴۵).

بازگشت نعمت‌ها

خداوند برخوردار از مجدد از مواهب الهی و بازگشت نعمت‌ها را با این عبارات متذکر شده است: «إِنَّا بَلَوْنَا هُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷) وَلَآ يَسْتَشِينُونَ (۱۸) فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹) فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰) فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ (۲۱) ... قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَائِعِينَ (۳۱) عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ (قلم، ۲۱-۱۷) و (۳۱-۳۲)»، ما آن‌ها را آزمودیم، همان‌گونه که صاحبان باغ را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه‌های باغ را صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند (۱۷) و هیچ از آن استثنا

نکنند (۱۸)؛ اما عذابی فراگیر (شب‌هنگام) بر (تمام) باغ آن‌ها فرود آمد، درحالی که همه در خواب بودند (۱۹) و آن باغ سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی شد (۲۰)، صبحگاهان یکدیگر را صدا زدند (۲۱)، ...؛ (و فریادشان بلند شد) گفتند: وای بر ما که طغیانگر بودیم (۳۱)، امیدواریم پروردگاران (ما را ببخشند و) بهتر از آن به جای آن به ما بدهد، چرا که ما به او علاقه‌مندیم! (۳۲)». «ظلم و طغیان و نپرداختن سهم بینوایان از اموال خویش، سبب زوال نعمت‌ها و توبه و امید به خداوند، زمینه بازگشت آن‌ها است. اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به خداوند، سبب دل بستن آنان به جایگزین شدن باغی بهتر از باغ ویران‌شده خود از جانب خداوند می‌گردد» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

تلاش و کوشش

امید به خداوند و رحمت او سبب تلاش و کوشش مؤمنان می‌گردد؛ به نحوی که خداوند ناامیدی را فقط شایسته گروه کافران می‌داند و می‌فرماید: «يَا بَنِي آدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف، ۸۷)، پسرانم! بروید و از یوسف و برادرش جست‌وجو کنید؛ و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند». یعقوب نبی (علیه‌السلام) از فرزندانش خواست که برای یافتن یوسف و برادرش تلاشی پیگیر داشته باشند و هرگز ناامید نشوند؛ زیرا ایمان به خدا و یاری او برای تحقق خواسته‌ها و برطرف کردن مشکلات باید با تلاش و کوشش بندگان قرین باشد (طباطبائی، ۱۳۷۰: جلد ۱۱: ۳۶۶-۳۶۵).

صبر و استقامت

امید به رحمت خداوند سبب می‌گردد که مؤمنان در تمامی عرصه‌های مختلف و نیز در سختی‌ها و مشکلات صبر و استقامت پیشه کنند و به حکمت خداوند و گشایش کارها به وسیله او امیدوار باشند. چه بسا بسیاری از گرفتاری‌ها به منظور آزمایش بنده مؤمن باشد و مؤمن می‌تواند با پیشه نمودن صبر و استقامت از بوته آزمایش الهی با سربلندی خارج شود؛ چرا که او به لطف و کرم پروردگارش امید بسته است. قرآن کریم در ارتباط با تأثیر امید بر صبر و استقامت می‌فرماید: «قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (یوسف، ۸۳)، [یعقوب] گفت: (هوای) نفس شما، مسئله را چنین در نظرتان آراسته است! من صبر

می‌کنم، صبری زیبا (و خالی از کفران)! امیدوارم خداوند همه آن‌ها را به من بازگرداند؛ چراکه او دانا و حکیم است».

توفیق بر انجام عمل صالح و لقای پروردگار

خداوند در آیه ۱۱۰ سوره کهف می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ ۖ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (کهف، ۱۱۰)»، بگو من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که تنها معبودتان معبود یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند». بر اساس آیه فوق، انسان با انجام اعمال صالح می‌تواند به لقای خداوند امیدوار باشد؛ امید وصال سبب ایجاد انگیزه در انجام اعمال نیک، کسب توفیق و درنهایت، موفقیت در انجام عمل شایسته می‌گردد.

بخشش گناهان

خداوند به گناه کارانی که درصدد جبران خطاهای گذشته خود هستند، این نوید را می‌دهد که با امید به خدا و بازگشت به سوی او، همه گناهان آن‌ها را خواهد بخشید، از این رو می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر، ۵۳)»، بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است». مطابق آیه مزبور، انسان با امیدی وصف ناشدنی جهت پاکی و توبه از گناهان خویش همت می‌گمارد و سرانجام، این امید وی را مشمول رحمت و بخشش الهی می‌نماید.

تحمل مشکلات و سختی‌ها (تسکینِ افسردگی روحی)

امید، بزرگ‌ترین اهرم حرکت و سرمایه روحی مؤمنان است و به وسیله آن تحمل مشکلات و سختی‌ها آسان می‌گردد. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ ۗ إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ ۗ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (نساء، ۱۰۴)»، و در راه تعقیب دشمن، (هرگز) سست نشوید! (زیرا) اگر شما درد و رنج می‌بینید، آن‌ها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند؛ ولی شما امیدی از خدا دارید که آن‌ها ندارند و خداوند، دانا و

حکیم است». بر اساس آیه یادشده، انسان با امید به پاداش و امدادِ خداوند، اقدام به تلاش می‌نماید و انرژی مضاعفی به دست می‌آورد که سبب مقاومت و پایداری در برابر مشکلات و سختی‌ها می‌گردد (کریم پور، ۱۳۹۳).

در امور معنوی، امید نقش سازنده‌ای دارد. در مسیر زندگی افرادی می‌توانند از خطرهای عبور نمایند که روحشان لبریز از امید به حق تعالی باشد. انسان امیدوار در دامنه کوهساران آرزوها با تکاپو مسیر تکامل و نردبان معنویت را طی می‌کند و با کاستی‌ها به مبارزه برمی‌خیزد. هنگامی آدمی به سفره گسترده رحمت ایزدی و سعه عنایت او بنگرد که دریچه این همه رحمت‌ها و نعمت‌های گوناگون را تنها به واسطه لطف و کرم خویش به روی بندگان گشوده است، آرزوهای او قوت می‌گیرد و امیدوار به رحمت الهی می‌شود. به هر حال، امید به پروردگار تسکین‌دهنده افسردگی‌های روحی است، ناامیدی از لطف حق تعالی نوعی خودکشی است، وقتی آدمی از کرم پروردگار قطع امید می‌کند، به یقین از زندگی معنوی رشته پیوند را بریده است (فاضلی، ۱۳۸۶).

توفیق بر یکتاپرستی و عدم شرک به پروردگار

انسان با امید به لقای پروردگار به یکتاپرستی روی می‌آورد؛ امید به وصال خداوند یکتا موجب روی گردانی از هر نوع شرک به ذات اقدس الهی می‌گردد. آیه ناظر بر این امر در سوره مبارکه کهف بیان شده است: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ ۗ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (کهف، ۱۱۰)»، بگو من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که تنها معبودتان معبود یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگار امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگار شریک نکند».

آثار تربیتی مفهوم «رجا» در سطح اجتماعی

اصلاح اجتماع از فساد

فساد مفهوم وسیعی دارد و هرگونه انحراف و ظلمی را که به نحوی مخلّ زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها باشد را در برمی‌گیرد. در جامعه‌ای که دنیاپرستی و جاه‌طلبی به جای خداشناسی و ترس از خدا و امید به رحمت الهی بنشیند، انواع و اقسام فسادها مانند ریا، قتل، کم‌فروشی، دروغ، تهمت، تجاوز به حقوق دیگران و غیره شیوع پیدا می‌کند و برای اصلاح چنین جامعه‌ای، هزینه

سنگینی می‌بایست پرداخت شود؛ اما با توسل به معنویت و امید بستن به یاری خداوند، می‌توان به اصلاح جامعه امیدوار بود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (عنکبوت، ۳۶)»، و ما به سوی مدین، برادرشان شعیب را فرستادیم؛ گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، به روز بازپسین امیدوار باشید و در زمین فساد نکنید».

اسوه پذیری و الگوپذیری در جامعه

امیدواری به لطف و کرامت خداوند سبب می‌شود که مؤمنان از افراد شایسته و انبیا و اولیای الهی الگوپذیری نمایند و آنان را به عنوان اسوه‌های خود در زندگی دنیوی و اخروی برگزینند. «به دلیل فطری بودن اسوه‌پذیری، وجود یک الگوی شایسته در تعلیم و تربیت اهمیت زیادی دارد. در قرآن هم نمونه رفتار تقلیدی از این راه در داستان قابیل آمده است. هنگامی که برادرش را کشت و نسبت به پنهان کردن جسد او درمانده شد، خداوند کلاغی را فرستاد و چگونگی دفن را به او نشان داد. الگوها تأثیرات متفاوتی در رفتار افراد می‌گذارند و به آن جهت می‌دهند. این جهت‌دهی می‌تواند به سمت راه راست یا به سوی انحراف باشد» (رستمی نسب، ۱۳۹۳: ۱۲۹). اما، الگوی شایسته انسان را به صراط مستقیم هدایت می‌کند. خداوند در این رابطه چنین متذکر شده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱)^۱. «پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) الگوی مناسبی برای مؤمنان است که می‌توان با اقتدا کردن به او خطوط زندگی خویش را اصلاح نمود و در صراط مستقیم قرار گرفت. قرآن اسوه حسنه را مختص کسانی می‌داند که سه ویژگی داشته باشند: (۱) امید به الله؛ (۲) امید به روز قیامت و (۳) خدا را بسیار یاد کنند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۳۵۶).

تصحیح رفتارها و باورها در انسان

امید به آینده بهتر نقش به‌سزایی در تصحیح رفتار و باورهای انسان دارد و کسی که به قیامت و روز حساب باور دارد، اگر در انجام وظایف و مسئولیت‌هایش کوتاهی بنماید، درصدد جبران آن نقصان برمی‌آید و به تصحیح اعمال خود همت می‌گمارد؛ بنابراین، این امیدواری سبب پالایش

۱. مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

باورهای فرد می‌گردد و موجب تقویت باورهای صحیح و رفع و اصلاح باورهای غلط و ناصحیح می‌شود. از آیات ناظر به این نکته تربیتی می‌توان به این آیه شریفه استناد نمود: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف، ۱۱۰)!

جدول ۲. آثار تربیتی مفهوم رجا

شماره	آثار تربیتی رجا در سطح فردی	شاهد قرآنی	آثار تربیتی رجا در سطح اجتماعی	شاهد قرآنی
۱	ممانعت از طغیان، عصیان و گناه	(فرقان، ۲۱)	اصلاح اجتماع از فساد	(عنکبوت، ۳۶)
۲	ایجاد انگیزه در انسان	(بقره، ۱۸۶)	اسوه پذیری و الگوپذیری در جامعه	(احزاب، ۲۱)
۳	بازگشت نعمت‌ها	(قلم، ۲۱-۱۷) و (قلم، ۳۲-۳۱)	تصحیح رفتارها و باورها در انسان	(کهف، ۱۱۰)
۴	تلاش و کوشش	(یوسف، ۸۷)	* «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف، ۱۱۰)؛ بگو من هم مثل شما بشری هستم [ولی] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است؛ پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد، باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد».	
۵	صبر و استقامت	(یوسف، ۸۳)		
۶	توفیق بر انجام عمل صالح و لقای پروردگار/ عبودیت (هدف غایی تربیت اسلامی)*	(کهف، ۱۱۰)		
۷	بخشش گناهان	(زمر، ۵۳)		
۸	تحمل مشکلات و سختی‌ها (تسکینِ افسردگی روحی)	(نساء، ۱۰۴)		
۹	توفیق بر یکتاپرستی و عدم	(کهف، ۱۱۰)		

۱. بگو من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که تنها معبودتان معبود یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

آثار تربیتی اجتماع (تؤمان) خوف و رجا در سطح فردی

عدم گرایش به گناه

خوف و رجا، هم زمینه گناه را از بین می‌برد و هم نقش بنیادی در گناه زدایی دارد؛ زیرا اگر انسان بترسد، حرمت و قداست دستورات خداوند را حفظ می‌نماید و مرتکب گناه نمی‌شود و با ناهنجاری‌ها نیز مبارزه می‌کند. از آنجایی که انسان ممکن الخطا است و شاید از او خطایی سر بزنند، اینجاست که امید به رحمت خداوند افاق جدیدی را به روی او می‌گشاید؛ زیرا رحمت او بی‌کران و توبه پذیر است.

خداوند در سوره سجده می‌فرماید: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (سجده، ۱۶)، پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می‌شود (و برمی‌خیزند و رو به درگاه خدا می‌آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند». همان‌طور که مشخص است، خداوند در این آیه خطر خوفِ خالص و رجایِ خالص را گوشزد می‌کند؛ زیرا خوفِ خالص انسان را از رحمت خدا و نجات یافتن مأیوس می‌کند و شوق اطاعت را از انسان می‌گیرد و رجایِ خالص هم موجب سبک شمردن اعمال و صالحات می‌گردد. افراد زیادی هستند که امید افراطی، آن‌ها را به تکالیف دین بی‌تفاوت کرده است و این طرز فکر، آن‌ها را به انکار و دوزخ کشانده است» (بهرام پور، ۱۳۹۱: ۴۱۶).

استجاب دعا

یکی از شرایط لازم برای استجاب دعا که از سیره اولیای الهی و دعاهای نقل شده از معصومین (علیهم‌السلام) می‌توان دریافت، لزوم قرار گرفتن انسان در حالت خوف و رجا (ترس و امید) است. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَعَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ (انبیاء، ۹۰)، ما هم دعای او را پذیرفتیم و یحیی را به او بخشیدیم؛ و همسرش را (که نازا بود) برایش آماده (بارداری) کردیم؛ چرا که آنان (خاندانی بودند که) همواره در کارهای خیر به سرعت اقدام می‌کردند و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند؛ و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند».

منظور این است که «انسان از سویی به گناهان خود نگریسته و زبانش بسته شده و حالت اندوه به او دست می‌دهد؛ از سوی دیگر، به رحمت و اسعه الهی توجه نموده و به آینده خویش امیدوار می‌شود. چنان که حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در دعای پس از نماز عصر می‌فرماید: «(الهی) به خاطر جنایتی که بر نفس خویش کردم، از روی ترس و هراس از تو و طمع به تو، آن را به تو تسلیم نمودم و تویی خدای بزرگواری که امید را قطع نمی‌کنی و دعا را بی‌پاسخ نمی‌گذاری» (ابن طاووس، ۲۰۴:۱۴۰۶). هم‌چنین در مناجات آن حضرت پس از نماز مغرب آمده است: «من نیازمند رضای تو و محتاج بخشش تو هستم؛ از تو می‌خواهم درحالی که از رحمت مأیوس نیستم و تو را می‌خوانم درحالی که از خشمت بیمناکم» (همان: ۲۳۹).

با این وجود، «خوف و رجا درباره اولیای الهی معنای دیگری می‌یابد؛ آنان گاه به صفات و اسامی جلال الهی توجه می‌کنند و آن‌قدر در عظمت الهی غرق می‌شوند که خود را در نهایتِ حقارت می‌بینند و مرعوب قدرت الهی شده، ترس و خشیت الهی سراسر وجود آن‌ها را در بر می‌گیرد. در این حالت که در اصطلاح به آن قبض گفته می‌شود، زبان بسته شده و فرد احساس می‌کند که دلش گرفته است، ولی گاه به صفات و اسامی جمال الهی توجه کرده، محو تماشای معبود می‌شود و حالت انبساط پیدا می‌کند؛ چنان که دوست دارد با خدا سخن بگوید و چون رحمت خدا بر غضب او پیشی گرفته است و توجه او به صفات جمال بیشتر است، با امیدی وافر به دعا و مناجات با پروردگار خویش روی می‌آورد» (رشاد، ۱۳۹۳، جلد ۵: ۱۰۰-۹۹).

مغفرت

بیم‌داشتن از خداوند و دل در گروی امید الهی نهادن، زمینه‌آمزش گناهان را فراهم می‌نماید؛ زیرا انسان از یک طرف، به واسطه ترس از مقام الهی مراقب اعمال و رفتار است و در نهان و آشکار به دلیل ترس از خدا به معصیت دچار نمی‌شود و از طرف دیگر، به وعده‌های الهی دل‌بسته است و فرمان‌هایش را گردن می‌نهد. در نهایت، به سبب این مراقبت در رفتار، خداوند به او مژده رستگاری می‌دهد: «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذُّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (یس، ۱۱)، تو فقط کسی را انذار می‌کنی که از این یادآوری (الهی) پیروی کند و از خداوند رحمان در نهان بترسد؛ چنین کسی را به آمزش و پاداشی پُرازش بشارت ده.»

آیه ۵۳ سوره زمر نیز گویای همین مهم است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا

مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر، ۵۳)، بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

تقرب

خوف و رجا عامل مهمی در تقرب و نزدیکی به خداوند متعال به شمار می‌آید؛ چنانچه می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (اسراء، ۵۷)، کسانی را که آنان می‌خوانند، خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌جویند، وسیله‌ای هرچه نزدیک‌تر، به رحمت او امیدوارند و از عذاب او می‌ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت، همواره درخور پرهیز و وحشت است».

«خداوند در این آیه می‌فرماید: همین الهه‌ها که شما آن‌ها را می‌پرستید و امید دارید که مشکلاتتان را برطرف سازند، مانند عیسی و عزیز و فرشتگان، قدرت مستقلی ندارند؛ بلکه خود آن‌ها مشکلات و حاجات خود را به درگاه الهی می‌آورند و از او کمک می‌گیرند. برای تقرب به او به هر وسیله‌ای چنگ می‌زنند و با یکدیگر مسابقه می‌دهند تا در نزد او مقرب‌تر باشند» (بهرام پور، ۱۳۹۱: ۲۸۷).

از تفسیر این آیه می‌توان چنین برداشت کرد که تمامی فرشتگان و جن و انس به‌سوی پروردگارشان در حال تقرب جستن هستند و به رحمت وی امید بسته‌اند و از عذابش بیمناک‌اند؛ از این روی، ترس از عذاب پروردگار آن‌ها را به این تلاش وامی‌دارد تا با نزدیک شدن و تقرب یافتن به پروردگار امید رحمت و کرامت او نسبت به خودشان را جلب نمایند. حضرت علی (علیه‌السلام) در مورد نگرش مؤمنین نسبت به خوف و رجا می‌فرماید: «وقتی به آیه‌ای برسند که تشویقی در آن است، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند و با جان پر شوق در آن خیره شوند و گمان می‌برند که نعمت‌های بهشت برابر دیدگان‌شان قرار دارد و هر گاه به آیه‌ای می‌رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می‌سپارند و گویا صدای برهم‌خوردن شعله‌های آتش در گوششان طنین افکن است، پس قامت به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست‌وپا بر خاک مالیده و از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می‌طلبند» (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۹۳، خ ۱۹۳: ۲۸۶).

برخوردارشان از حیات طیبه

قرآن کریم از یک طرف، مژده حیات طیبه^۱ و «زندگی مطلوب»^۲ را، به مردان و زنان مؤمن داده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً ۗ وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷)؛^۳ و از طرف دیگر، داشتن خوف از خداوند را از الزامات و ویژگی های فرد مؤمن برشمرده است: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ ۗ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۷۵) و از سویی دیگر، ایمان و عدم شرک و نیز اقدام به عمل پسندیده را، نتیجه امید به لقای پروردگار محسوب می نماید: «... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف، ۱۱۰) و هم چنین اعمال شایسته مؤمنین را، با بیم و امید پیوند می زند: [الازم به ذکر است که، آیه شریفه پیش رو سجده واجب دارد]. «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝ (۱۵) تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (سجده، ۱۶-۱۵) .^۷ برای اساس، با جمع نمودن (اجتماع) آیه های فوق، می توان دست یابی به حیات طیبه یا همان زندگی پاک و مطلوب را، از آثار تربیتی خوف و رجا به شمار آورد.

آثار تربیتی مشترک خوف و رجا در سطح اجتماعی

پذیرش توبه، اصلاح و تربیت خطاکاران

در بسیاری از موارد انسانی هایی که دچار گناه یا مرتکب خطا می شوند، بلافاصله بعد از خطایشان پشیمان و نادم می شوند یا به دیگر سخن، پیوسته در حال انجام خطا هستند؛ ولی به دلیل

۱. «حَيَاةً طَيِّبَةً» آن است که انسان دلی آرام و روحی مؤمن داشته باشد» (قرآنی، ۱۳۹۲: ۲۳۸).

۲. این اصطلاح برگرفته از علوی (۱۳۹۶) است.

۳. هرکس از مرد یا زن که مؤمن باشد و کار شایسته کند، حتماً به زندگی پاک و پسندیده ای زنده اش می داریم و قطعاً پاداش شان را برپایه نیکوترین کاری که می کرده اند، خواهیم داد.

۴. جز این نیست که این شیطان است که یاران خود را می ترساند، پس اگر مؤمنید، از آنان ترسید و از من بترسید.

۵. ... پس هر کس به لقای پروردگار امید دارد، باید عمل شایسته کند و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نسازد.

۶. یادآوری می شود که آیه قرائت شده، سجده واجب داشت.

۷. تنها کسانی که به آیات ما ایمان می آورند که هر وقت این آیات به آنان یادآوری شود به سجده می افتند و تسبیح و حمد پروردگارش را به جا می آورند و تکبر نمی کنند. پهلوهایی شان از بسترها در دل شب دور می شود (و برمی خیزند و رو به درگاه خدا می آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند.

عدم آگاهی به اشتباه خویش واقف نیستند از این رو، با کمک خوف و رجا می‌توان رفتار آن‌ها را اصلاح نمود و حتی به تربیت آنان پرداخت. خداوند درباره این افراد می‌فرماید: «وَأَخْرُونَا أَعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ (توبه، ۱۰۲) و گروهی دیگر، به گناهان خود اعتراف کردند و کار خوب و بد را به هم آمیختند؛ امید می‌رود که خداوند توبه آن‌ها را بپذیرد؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است».

«گرچه خداوند وعده آمرزش داده است، ولی همواره انسان باید میان خوف و رجا باشد؛ انسان در میان اعمال خویش تنها نباید نقاط قوتش را ببیند، بلکه باید به دنبال جبران نقاط ضعف و خطاهایش باشد که اعتراف به گناه و انتقاد از خود، داشتن کارهای خوب و صالح، زمینه‌ساز بخشایش الهی است» (قرائتی، ۱۳۸۸، جلد ۳: ۴۹۶).

امام علی (علیه‌السلام) ویژگی‌های پرهیزکاران را چنین برمی‌شمارند: «یکی از نشانه‌های پرهیزکاران این است که او را این گونه می‌بینی: در دین‌داری نیرومند...، اعمال نیکو انجام می‌دهد و ترسان است، روز را به شب می‌رساند با سپاس‌گزاری و شب را به روز می‌آورد با یاد خدا، شب می‌خوابد اما ترسان، برمی‌خیزد شادمان؛ ترس برای اینکه دچار غفلت نشود و شادمانی برای فضل و رحمتی که به او رسیده است. اگر نفس او در آنچه دشوار است فرمان نبرد، از آنچه دوست دارد، محروم می‌شود. روشنی چشم پرهیزکار در چیزی قرار دارد که جاودانه است و آن را ترک می‌کند که پایدار نیست، بردباری را با علم و سخن را با عمل درمی‌آمیزد. پرهیزکار را می‌بینی که آرزویش نزدیکی، لغزش‌هایش اندک، قلبش فروتن، نفسش قانع، خوراکش کم، کارش آسان، دینش حفظ شده، شهوتش در حرام مرده و خشمش فروخورده است. مردم به خیرش امیدوار و از آزارش درامان‌اند و نزدیکی او از روی حيله و نیرنگ نیست» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۹۳، خ ۱۹۳: ۲۸۶).

نیکی به دیگران و سرچشمه خیر گردیدن

خداوند در سوره مؤمنون یکی از ویژگی‌های «صاحبان وجل» را نیکی به دیگران می‌داند: «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ، أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (مؤمنون، ۶۱-۶۰)، و آن‌ها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می‌دهند و باین حال، دل‌هایشان هراسناک است، از اینکه سرانجام به سوی پروردگارشان بازمی‌گردند، (آری)

چنین کسانی در خیرات سرعت می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند (و مشمول عنایات ما هستند).»

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) نیز منشأ و سرچشمه خیربودن را یکی از مشخصه‌های پرهیزکاران معرفی می‌نماید، بدین عبارات که «یکی از نشانه‌های پرهیزکاران این است که او را این‌گونه می‌بینی؛ ... با کارهای شایسته‌ای که به‌جا می‌آورد ترسان است، ... شب را به سر می‌برد درحالی‌که از غفلت خویش (که مبادا در وظایف خود کوتاهی کرده باشد) هراسان است و روز از احسان و مهربانی خدا شادمان است، ...؛ او را می‌بینی که با آرزوی کوتاه و خطا و لغزش اندک و دل فروتن و نفس قانع و خوراک کم و کار آسان و دین محفوظ و شهوت و خواهش ازبین رفته و خشم فرونشسته است، مردم به نیکویی او چشم داشته و از بدی‌اش آسوده‌اند» (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۹۳، خ ۱۹۳: ۲۸۷).

جدول ۳. آثار تربیتی اجتماع خوف و رجا

شاهد قرآنی	بازتاب تربیتی خوف و رجا توأم باهم در سطح اجتماعی	آیه	شاهد قرآنی	بازتاب تربیتی خوف و رجا توأم باهم در سطح فردی	آیه
(یوسف، ۸۷)	پذیرش توبه، اصلاح و تربیت خطاکاران	۱	(سجده، ۱۶)	عدم گرایش به گناه	۱
			(انبیاء، ۹۰)	استجاب دعا	۲
(مؤمنون، ۶۱- ۶۰)	نیکي به دیگران و سرچشمه خیرات گردیدن	۲	(یس، ۱۱) و (زمر، ۵۳)	مغفرت	۳
			(اسراء، ۵۷)	تقرب/ قرب الهی (از اهداف غایی تربیت اسلامی)	۴
			(نحل، ۹۷)	حیات طیبه (از اهداف غایی تربیت اسلامی)	۵
به گواه موردهای ذکرشده در متن مقاله	تحقق جامعه صالح موعود	آیه	به استناد موارد یادشده در متن مقاله	دست‌یابی به والاترین اهداف غایی تربیت اسلامی نظیر قرب، رضوان، عبودیت، هدایت و غیره	آیه

نتیجه گیری

ترس و امید از جمله هیجان‌های درونی هستند که اغلب مورد توجه هر انسانی می‌باشند. اخلاق و تربیت اسلامی با بهره‌مندی از این دو حالت نفسانی، آن‌ها را از عوامل بسیار مؤثر در تهذیب اخلاق و دستیابی کمال انسانی به‌شمار آورده‌اند. هم‌ترس و هم‌امید به‌عنوان دو عامل تعدیل‌کننده و برانگیزنده در تربیت و کمال فرد اثرگذارند و فرد بنا به میزان شدت و ضعف هر یک، رفتار خود را تنظیم می‌نماید. فردی که دچار ترس می‌شود، بسته به درجه آن، دست به اقدام می‌زند یا از انجام کاری سر باز می‌زند؛ بنابراین، امید و ترس به‌منزله ابزارهای قدرتمند در کنترل و شکل دادن رفتار انسان نقش برجسته‌ای دارند. نظام تعلیم و تربیت نیز برای پیشبرد اهداف تربیتی خود قادر است از این دو ابزار استفاده کند؛ به‌نحوی که از یک طرف، ترس به‌عنوان یک عامل بازدارنده و امید به‌منزله یک عامل انگیزشی سبب حرکت و تکاپو در افراد شوند.

آنچه از مضامین تربیتی قرآن درباره خوف و رجا حاصل شد، این است که این دو مفهوم همچون دو عامل کنترل درونی همواره رفتار انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و نیز به آن شکل می‌دهند. به‌عبارت دیگر، خوف و رجا ابزارهایی درونی برای خودکنترلی فرد هستند که به‌واسطه این دو ابزار، فرد رفتار خود را بروز می‌دهد؛ به‌عنوان مثال، رانندگان از ترس جریمه تخلف نمی‌کنند یا یک نوجوان برای دریافت پاداش تکالیفش را انجام می‌دهد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که خوف و رجا به‌مثابه دو ابزار قدرتمند در تنظیم رفتار انسان هستند که خداوند در درون انسان به ودیعه نهاده است؛ به شکلی که خوف مانند یک سازوکار درونی انسان را از انجام ناهنجاری، رذایل اخلاقی و سرپیچی از دستورات خداوند رها می‌سازد و در صورت لغزش و انجام کار ناشایست، امید به رحمت و بخشش الهی، انگیزه جبران و انجام کار شایسته را تقویت می‌کند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات (داوودی فرقانی، ۱۳۹۴؛ جعفری، ۱۳۹۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۹؛ داوری و همکاران، ۱۳۹۳؛ بهمنی و همکاران، ۲۰۱۷؛ دالبک، ۲۰۱۴) هم‌سو بود.

با بررسی آیات پیرامون خوف و رجا و نقش تربیتی این دو ویژگی ستوده اخلاقی، این نتیجه حاصل شد که به استناد قرآن کریم، خوف و رجا برای انسان دستاوردهای تربیتی متعددی در سطح فردی و اجتماعی به ارمغان می‌آورد که بخشی از این دستاوردها ویژه خوف هستند. بخش دیگر،

مختص رجا و پاره‌ای هم، شامل خوف و رجا توأم با یکدیگر می‌شوند. این امر بدان جهت است که هر کدام از این واژه‌ها، در برخی از آیات قرآن کریم به صورت تنها و در بعضی دیگر به طور توأم آورده شده‌اند. دستاوردهای یادشده در متن مقاله، به تفسیر بیان شدند.

منابع

فارسی

- قرآن کریم (۱۳۸۹)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- نهج البلاغه (۱۳۹۳)، ترجمه محمد دشتی، قم: پیام مقدس.
- آرین، حسین (۱۳۸۶)، خشیت و خوف از دیدگاه قرآن و عرفان، فصل‌نامه عرفان اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۴، ۲۱۶-۱۹۳.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۶ ق)، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: بوستان کتاب.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، جلد اول، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر و التوزیع (دارصادر).
- امام خمینی (ره)، سید روح‌الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام، جلد ۱۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- انصاریان، حسین (۱۳۸۶)، عرفان اسلامی؛ شرح مصباح الشریعه، جلد اول، قم: دارالعرفان.
- باقری، خسرو (۱۳۷۰)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۷۷)، مبانی شیوه‌های تربیت اخلاقی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹)، رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی (ترجمه کامل المنجد الابجدی)، مترجم: رضا مهیار، تهران: اسلامی.
- بهرام پور، ابوالفضل (۱۳۹۱)، تفسیر یک‌جلدی مبین، چاپ سوم، قم: انتشارات آوای قرآن.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۶)، اخلاق ربانی - عرفان اسلامی، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح المهدی.
- جعفری، سیما (۱۳۹۳)، نقش خوف و رجا در حیات اخلاقی انسان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اخلاق اسلامی، دانشگاه قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مراحل اخلاق در قرآن، قم: اسرا.
- خاری آرنی، مجید؛ رهنما، اکبر؛ علی‌اکبرزاده آرنی، زهرا (۱۳۹۴)، بررسی مفهوم امید در قرآن و روایات و نقش آن در تربیت انسان، مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۱۱، ۱۵۲-۱۳۵.

خزائلی، محمدعلی (۱۳۸۴)، اخلاق ایزدی: بیست گفتار اخلاقی عرفانی؛ آیت‌الله شیخ عباس ایزدی (ره)، قم: اجر. دآوری، محمد؛ صدیق اورعی، غلام‌رضا؛ عبد خدایی، محمد سعید (۱۳۹۳)، مکانیزم‌های نظارت خداوند بر رفتار انسان و اثر آن بر تنظیم رفتار اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم، مجله علمی - پژوهشی حوزه علمیه، شماره ۱۴، ۵۵-۸۲.

داوودی فرقانی، مرتضی (۱۳۹۴)، جایگاه و نقش خوف و رجا در اخلاق از دیدگاه کتاب و سنت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.

دلیری، کاظم (۱۳۸۸)، نقش تربیتی خوف و رجا در تکامل انسان، تهیه‌کننده: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، قم: دفتر عقل.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱)، لغت‌نامه (مجموعه ۳۴ جلدی دیجیتالی)، جلد ۱۳، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

راغب‌اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۶)، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران: سبحان. رستمی نسب، عباسعلی (۱۳۹۳)، تربیت در قرآن، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان. رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۸۲)، غررالحکم و درر الکلم آمدی (ره)، جلد ۲، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

رشاد، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، دانش‌نامه فاطمی (سلام‌الله‌علیها)، جلد پنجم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ امینی، فائزه (۱۳۹۴)، خشیت از پروردگار و ارتباط آن با درک قرآن، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، دوره ششم، شماره ۲۴، ۵۵-۶۸.

طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۰)، تفسیر المیزان (دوره ۲۳ جلدی)، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی؛ محمدعلی کرامی قمی و سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۵ (چاپ پنجم) و ۱۱ و ۱۵ (چاپ چهارم)، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر. طبیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۲)، پژوهشی در معنای واژه قرآنی «خشیت» و تفاوت آن با «خوف»، دو فصل‌نامه علمی - پژوهشی کتاب‌قیم، دوره ۳، شماره ۸، ۲۶-۷.

عضیمه، صالح (۱۳۸۰)، معناشناسی واژگان قرآن (فرهنگ اصطلاحات قرآنی)، ترجمه: سیدحسین سیدی، ویراسته محمدحسین ساکت، مشهد: شرکت به‌نشر.

علائی رحمانی، فاطمه؛ حسن‌زاده، مه‌ری (۱۳۹۲)، واکاوی مفهوم «ترس» با تکیه بر نوع ضد ارزشی آن در قرآن، معرفت اخلاقی، دوره ۴، شماره ۱، ۵۵-۷۴.

علوی، سید حمیدرضا (۱۳۹۶)، تعالیم تربیتی و روان‌شناختی قرآن کریم: جزء‌های بیست‌ویکم تا پایان سوره ام، تهران: آوای نور.

فاضلی، خادم حسین (۱۳۸۶)، نگاهی به خوف و رجا در تعالیم اسلامی، شمیم یاس، شماره ۵۷، ۲۹-۱۲.

- فرانکن، رابرت (۱۳۹۵)، انگیزش و هیجان، ترجمه سوزان امامی پور؛ حسن شمس اسفندآباد و غلامرضا محمودی، تهران: نشر نی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، جلد ۴، محقق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، گردآورنده: محسن آل عصفور، قم: مؤسسه دارالهیجره.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور؛ شیوه‌ای نو در ارائه آسان و روان پیام‌های آیات، ج ۳ و ۴ و ۷ و ۹، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرائتی، محسن (۱۳۹۲)، سیمای انسان در قرآن بر اساس تفسیر نور، گردآورنده: روح‌الله فیض‌اللهی، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، جلد ۱، چاپ ششم، تهران: دار الکتب اسلامی.
- کاشانی، عزت‌الدین (۱۳۸۱)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، چاپ ششم، تصحیح و مقدمه: جلال‌الدین همایی، تهران: نشر هما.
- کریم پور، نسرتین؛ یوسف پور، کاظم (۱۳۹۳)، معانی خوف و رجا در قرآن و تأویل آن در مثنوی مولوی، فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال دوم، شماره ۲، ۲۲-۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹)، الاصول من الکافی (ترجمه و شرح اصول کافی)، جلد ۱، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، مصحح: محمدباقر بهبودی و علی اکبر غفاری، تهران: اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه اطهار (علیهم‌السلام)، جلد ۶۸ و ۷۸، مصحح: هدایت الله مسترحمی؛ محمدباقر بهبودی و دیگران، محقق: عبدالزهرای علوی، بیروت - لبنان: داراحیاء التراث العربی.
- مجلسی، علامه محمدباقر (۱۳۸۲)، عین الحیات، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، محقق: سید مهدی رجائی، قم: انوار الهدی.
- محققان، زهرا؛ پرچم، اعظم (۱۳۹۱)، ماهیت امید؛ مقایسه‌ای تطبیقی بین اسلام و مسیحیت، فصل‌نامه معرفت ادیان، سال چهارم، شماره اول، ۲۶-۷.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹)، ترس از خدا و نقش سازنده آن در زندگی (۱)، فصل‌نامه معرفت، سال نوزدهم، شماره ۱۵۳، ۱۲-۵.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۱ و ۱۳، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، جلد ۴ و ۱۰ و ۲۶، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نراقی، مهدی بن ابی‌ذر (۱۹۶۱ق)، جامع السعادات، جلد ۱، مصحح: محمد کلانتر، بیروت - لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآنی (۱۳۸۳)، تفسیر راهنما، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶)، فرهنگ قرآن (کلید راه‌یابی به موضوعات و مفاهیم قرآنی)، جلد ۱۳، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

لاتین

- Bahmani, F., Amini, M., Tabei, S. Z., & Abbasi, M. B. (2017). The Concepts of Hope and Fear in the Islamic Thought: Implications for Spiritual Health. *Journal of Religion and Health*, 57(1), 57-71.
- Dahlbeck, J. (2014), Hope and fear in education for sustainable development, *Critical Studies in Education*, Vol. 55, No. 2, 154–169.
- Ohlander, E. S. (2005). Fear of god (taqwā) in the Qur'ān: Some notes on semantic shift and thematic context. *Journal of Semitic Studies*, 50(1), 137–152.
- Chang, E. C. (1998). Hope, problem-solving ability, and coping in a college student population: Some implications for theory and practice. *Journal of Clinical Psychology*, 54, 953-962.



دراسة آثار التربية "الخوف والرجاء" من منظور الإسلام مع التأكيد على القرآن الكريم

عباس على الرستمى نسب *

مراد يارى الدهنوى **

عارفه البورحيدرى ***

إن "الخوف" و "الرجاء" من القضايا المهمة للغاية فيما يتعلق بكيفية حياة الإنسان وتربيته ، لذلك فإن الغرض من هذه الدراسة هو فحص الآثار التربوية للخوف والرجاء ، من منظور الإسلام مع التأكيد على القرآن الكريم . للعثور الى هذا الهدف ، تم استخدام أسلوب التحليل اللغوى والمفهومي . أظهرت موضوعات البحث المستخرجة أن القرآن يعرّف الخوف والأمل كمكلا بعضهما البعض ويعدد سيطرة الله على السلوك البشرى بتوسيط هاتين الحالتين النفسانيتين ؛ إنه يعتقد أن كلاهما يتسببان فى تنظيم السلوك الانسانى ويقر بأن الشذوذ يتم التحكم فيها بهما. من خلال فحص آيات الخوف والرجاء والدور التربوى لهاتين الخاصيتين الأخلاقيتين ، تم الحصول على هذه النتيجة: استنادا الى القرآن الكريم ، فإن الخوف و الرجاء يحققان العديد من الإنجازات التربوية للبشر على المستويين الفردى والاجتماعى ، و بعض هذه الإنجازات مختصة بالخوف. أما الجزء الآخر مختص للرجاء ، و بعضها ايضا ، يشمل الخوف والرجاء كلاهما معا . وذلك لأن كل من هذه الكلمات مستخدمة فى بعض آيات القرآن الكريم وحدها و فى بعض الآيات الأخرى جاءا كلاهما معا. تم شرح الإنجازات المذكورة ودراستها فى نص المقالة.

الكلمات الرئيسية: التعليم و التربية ؛ الخوف ؛ الرجاء ؛ الآثار التربوية للخوف والرجاء.

* أستاذ ، قسم فلسفة التعليم و التربية الإسلامية ، جامعة الشهيد الباهر ، كرمان ، إيران.

** أستاذ مساعد ، قسم فلسفة التعليم و التربية الإسلامية ، جامعة الشهيد الباهر ، كرمان ، إيران.

*** الكاتب المسؤل: المتعلم فى مستوى الاجازه الاعلى فرع فلسفة التعليم و التربية الإسلامية ، جامعة الشهيد الباهر ، كرمان ،

الإيران.